



وارث غدیر

بررسی معارف مهدوی در خطبه غدیر

مجید جعفرپور

سرشناسه: جعفرپور، مجید، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور: وارث غدیر / نویسنده: مجید جعفرپور.
مشخصات نشر: قم: سرو امید، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.
شابک:

۹۷۸-۶۲۲-۹۸۹۷۵-۲-۲

وارث غدیر

بررسی معارف مهدوی در خطبه غدیر

نویسنده: مجید جعفرپور

صفحه آرا: جواد قربانی

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۱

بها: ۳۰/۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

انتشارات: سرو امید

همه حقوق محفوظ است

مرکز پخش: تهران، انتشارات سرو امید

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۲۵۲۰۸۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

بانوی مُلک دو جهان،

فخر زنان،

مادر مولای زمان،

حضرت نرجس علیہا السلام

فهرست مطالب

| | |
|---|-----------|
| ۷ | سخن مؤسسه |
| ۹ | مقدمه |

فصل اول: مهدویت در خطبه غدیر / ۱۳

| | |
|----|---|
| ۲۰ | اوصاف امام زمان <small>علیه السلام</small> در خطبه غدیر |
| ۲۰ | ۱. خاتم امامان، قائم، مهدی |
| ۲۶ | ۲. غالب بر ادیان |
| ۲۸ | ۳. انتقام گیرنده از ستمکاران |
| ۳۰ | ۴. فاتح و هادم |
| ۳۰ | ۵. غالب بر مشرکان و هادی ایشان |
| ۳۲ | ۶. طالب خون اولیا |
| ۳۵ | ۷. ناصر دین |
| ۳۶ | ۸. متصل به علم خدا |
| ۳۷ | ۹. عدالت ورزی |
| ۴۰ | ۱۰. برگزیده خدا |
| ۴۱ | ۱۱. وارث علوم |
| ۴۳ | ۱۲. احاطه بر فهمها |
| ۴۴ | ۱۳. خبر دهنده از خدا |
| ۴۵ | ۱۴. محکم کننده آیات خدا |
| ۴۶ | ۱۵. رشید و استوار |
| ۴۷ | ۱۶. تفویض شده |
| ۵۱ | ۱۷. موعود |
| ۵۳ | ۱۸. آخرین حجت |
| ۵۶ | ۱۹. حق و نور مطلق |
| ۵۸ | ۲۰. غالب و منصور |
| ۶۱ | ۲۱. ولی خدا |
| ۶۲ | ۲۲. حاکم الهی |
| ۶۳ | ۲۳. امین خدا |



فصل دوم: تنها وارث غدیر / ۶۵

فصل سوم: نصرت و یاری وارث غدیر / ۷۱

| | |
|-----|--|
| ۷۳ | مقدمه |
| ۷۳ | آمادگی دائمی برای یاری وارث غدیر |
| ۷۶ | نصرت و یاری وارث غدیر |
| ۷۷ | شیوه اول: یاری کردن وارث غدیر با قلب |
| ۸۰ | راه یاری کردن وارث غدیر با قلب |
| ۸۲ | شیوه دوم: یاری کردن وارث غدیر با زبان |
| ۸۲ | راه های یاری کردن وارث غدیر با زبان |
| ۸۲ | راه اول: طلب خیر کردن برای امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۸۲ | سؤال: چگونه می توان سرباز و یار امام زمان <small>علیه السلام</small> شد؟ |
| ۸۶ | راه دوم: محبوب ساختن امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ۸۹ | راه سوم: احیا کردن امر اهل بیت <small>علیهم السلام</small> |
| ۸۹ | روش اول: یاد گرفتن و یاد دادن علوم اهل بیت <small>علیهم السلام</small> |
| ۹۰ | روش دوم: دیدار شیعیان اهل بیت <small>علیهم السلام</small> |
| ۹۱ | راه چهارم: دفاع علمی از مکتب اهل بیت <small>علیهم السلام</small> |
| ۹۱ | روایات دفاع علمی از اهل بیت <small>علیهم السلام</small> |
| ۹۳ | شیوه سوم: یاری کردن وارث غدیر با عمل |
| ۹۴ | روایات یاری رساندن امام معصوم <small>علیه السلام</small> با عمل |
| ۹۵ | راه های یاری کردن وارث غدیر با عمل |
| ۹۵ | راه اول: دفاع عملی از امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۹۶ | روایات دفاع عملی از امام معصوم <small>علیه السلام</small> |
| ۹۷ | راه دوم: یاری کردن امام زمان <small>علیه السلام</small> با ورع |
| ۹۸ | روایات یاری کردن اهل بیت <small>علیهم السلام</small> با ورع |
| ۱۰۱ | راه سوم: صله دادن به امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۱۰۱ | روایات صله دادن به امام معصوم <small>علیه السلام</small> |
| ۱۰۳ | راه چهارم: ادای حقوق مالی واجب نسبت به امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۱۰۵ | منابع |
| ۱۱۰ | آزمون تستی برای مرور دوباره کتاب |

سخن مؤسسه

دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین، دارای چهار مرحله اساسی است که عبارتند از: مرحله آغاز، مرحله کمال، مرحله تثبیت و مرحله پیروزی. اولین مرحله با «بعثت» پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شروع شد و در حدود ۲۳ سال طول کشید. مرحله دوم نیز با «امامت و ولایت» امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر شروع شد و تا ظهور حضرت حجت علیه السلام ادامه می‌یابد. در سومین مرحله، دین اسلام، با «شهادت امام حسین علیه السلام»، به تثبیت رسید و سلسله امامت در فرزندان سیدالشهدا ادامه یافت. مرحله چهارم نیز با «ظهور امام عصر علیه السلام» آغاز می‌شود و دین اسلام در دوران حکومت ایشان، به پیروزی نهایی خواهد رسید که خداوند در آیه ۵۵ از سوره نور، وعده تشکیل حکومت جهانی به تنها وارث غدیر داده است.

روز غدیر که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به دستور خداوند متعال، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را اقامه کرد؛ مسیر بشریت نیز به سوی فلاح و رستگاری و رسیدن به سرزمین آرمانی ظهور و حکومت حقه الهی هموار شد؛ همان حکومت و سرزمینی که خداوند متعال توسط امام و خلیفه اش؛ یعنی حضرت مهدی علیه السلام و از مسیر صراط علوی که همان «صراط مستقیم» است، برپا می‌کند.

امام عصر علیه السلام انتهای تفصیلی «صراط مستقیم» غدیر و تجلی کامل تعالی بشر است. حقیقتاً اسلام، بدون غدیر و غدیر، بدون ظهور، متجلی نمی‌شود. بر اساس آیه سوم از سوره مانده، آن کمال اعلام شده در دین و آن نعمت به اوج رسیده در ولایت، تنها با ظهور، عملی می‌شود.

مؤسسه سرو امید، در راستای ترویج معارف خطبه غدیر و بیان شیوه‌های نصرت و یاری وارث غدیر، تصمیم گرفت تا قدمی در این مسیر بردارد و کتابی را با عنوان «وارث غدیر» چاپ و منتشر کند. این کتاب، با قلم حجت الاسلام مجید جعفرپور برای استفاده جامعه مبلغان نگاشته شده است. امید داریم که این تلاش علمی، مورد قبول و رضایت تنها وارث غدیر امام عصر علیه السلام قرار گیرد.

مؤسسه سرو امید

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُسَمَّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ عليه السلام^۱
السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ، أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيَلْمَ بِهِ
الشَّعْثَ وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَيُمْكِّنَ لَهُ وَيُنْجِزَ لَهُ
مَا وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ.^۲

دل در شعف و شور شب عید غدیر است در نزد خدا عید اگر هست غدیر است
چشم علی و حضرت زهرا و پیمبر در روز ظهور وارث عید غدیر است

۱. اقبال الأعمال، سید ابن طاووس، ج ۱، ص ۴۶۵.

۲. سلام بر امام مهدی، آن کسی که خداوند بلند مرتبه به امت‌ها وعده داده که عقاید مختلف مردم را به وجود او جمع کند (یعنی بر دین حق، همه را جمع کند) و مردم را از تفرقه (و نزاع در دین) برهاند و به وجود او خداوند متعال، زمین را پُر از عدل گرداند و همه قدرت‌های جهان، مطیع و فرمان‌بردار او شوند و وعده خداوند به عزت و اقتدار اهل ایمان به وقوع پیوندد (المصباح، کفعمی، ص ۴۹۸). جمله «و يُنْجِزَ لَهُ مَا وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ» اشاره است به آیه ۸ از سوره منافقون: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾؛ در حالی که عزت و اقتدار از آن خدا و رسول او و مؤمنان است.

غدیر فرا می‌رسد و باز هم باید پیمان بست با او که آخرین وارث غدیر است، او که نام و یادش در خطبه غدیر بارها توسط پیامبر خاتم ﷺ مورد اشاره قرار گرفته است. امروز وارث غدیر با ماست؛ از روز غدیر، به دستور مبلّغ غدیر، پیمان غدیر، تا ما دست به دست شد و بانگ مُنادیان، دهان به دهان به گوشمان رسید و مهر امیر غدیر تا قلبهامان، سینه به سینه جریان گرفت.

این بار، وقت وفای ماست و این دستان بیعت وارث غدیر است که دلدادگان حضرتش، دلباختگان خدمت او شوند. وقت است که آستین نصرتش بالا زنند و حلقه غلامی تنها وارث غدیر به گوش آویزند و عاجزانه از خالق غدیر بخواهند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِمْ وَأَعْوَانِهِ وَالسَّادِّينَ عَنْهُ»^۱ خدایا، مرا از یاوران و یارانش و سخت‌ترین دفاع‌کنندگان او قرار بده.

اگرچه برخی از اصحاب با آن‌که روز غدیر با امیر غدیر بیعت کردند،^۲ اما در ادامه پیمان شکستند؛ با این وجود، حقایق در طول زمان برای نسل‌ها روشن شد و از آنجا که کارها به دست خداوند است، روزی امر اهل بیت علیهم‌السلام ظاهر خواهد شد. آن روز، جهان به دست جانسینان واقعی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سپرده می‌شود و انتقام آن‌چه در طول قرن‌ها بر ایشان رفته است، به وسیله تنها وارث غدیر گرفته خواهد شد؛ چنان‌که فرمود:

۱. البیضاء الامین، کفعمی، ص ۸۲.

۲. عمر بن خطاب از جمله کسانی بود که در روز غدیر با امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیعت کرد و این‌گونه تهنیت گفت: «بِحَّ يَابْنَ أَبِي طَالِبٍ، أَصْبَحْتَ مَوْلَى وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؛ گوارا باد، گوارا باد بر تو ای پسر ابوطالب، تو مولای من و مولای همه مردان و زنان مؤمن شدی» (تاریخ روضه الصفا، میرخواند، ج ۲، ص ۵۴). در برخی منابع این‌گونه نقل شده است: «هَنِيئًا لَكَ يَابْنَ أَبِي طَالِبٍ، أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؛ خوشا به حال تو ای پسر ابوطالب، تو برای همیشه سرور هر مرد و زن مؤمنی شدی» (الکشف والبیان، نعلبی، ج ۴، ص ۹۲).

«أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ؛^۱ مَنْ ذَخِيرَةُ اللَّهِ فِي رُؤْيِ زَمِينِ هَسْتُمْ كَمَا مِنْ دَشْمَنَانِ خَدَا انْتِقَامِ خَوَاهُمْ كَرَفْتِ».

و اینک وارث غدیر، صاحب دست بیعت علوی، مالک مُلک حیدری، والی سرزمین صفدری، مهر سپهر سروری، حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ^۲ در کنار غدیر، روزگاران ایستاده است و از سر شوق و افتخار بر دستان مبارکش بوسه می‌زنیم و بر بیعت با او، دل نازنین صدیقه کبری، فاطمه زهرا^۳ را شادمان می‌سازیم.

خالق غدیر را به حق اُمّ آبیها مادر خوبیها قسم می‌دهیم که لیاقت خدمتگزاری در رکاب وارث غدیر به ما روزی فرماید تا خون خواه اهل بیت^۴ باشیم:

«وَ أَنْ يَزُفَنِي طَلَبَ نَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ (هُدِيٍّ) ظَاهِرٍ نَاطِقٍ (بِالْحَقِّ) مِنْكُمْ؛^۲ و این که خون خواهی شما را روزی من قرار دهد به همراه یک پیشوای هدایت و راستی و پیشوای نمایان و گویای به حق که از شما (اهل بیت) است».

ای وارث پیمبر و قرآن و دین، بیا تنها تویی امید همه ناامیدها کتاب حاضر، برای آشنایی اقشار مختلف با معارف علوی و مهدوی، در سه فصل نگاشته شده است:

فصل اول: مهدویت در خطبه غدیر

فصل دوم: تنها وارث غدیر

فصل سوم: نصرت و یاری وارث غدیر

مؤسسه سرو امید، به هدایت و راهبری حجج اسلام شیخ محمد نوری و

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. کامل الزیارات، ابن قولویه، ۱۷۷؛ مصباح المتعجب، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۷۷۵؛

المزار الکبیر، ابن مشهدی، ص ۴۸۳.

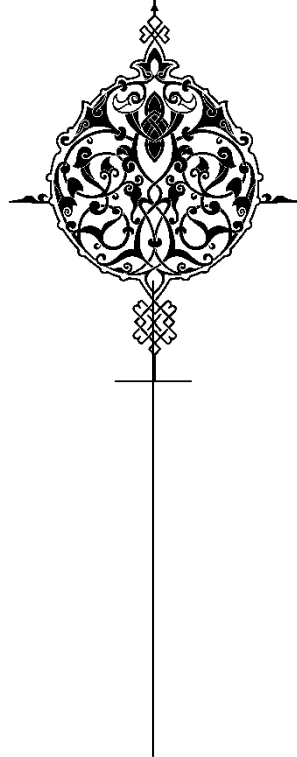
سید محمد جواد جلالی، سالیانی است که در موضوع بسیار مهم امامتِ اهل بیت علیهم السلام در تهران مشغول آموزش دادن نیروهای زُبدۀ علمی و همچنین انجام فعالیت‌های گوناگون فرهنگی و تبلیغی است. کتاب حاضر نیز به توصیه ایشان و به جهت امر کاربردی تبلیغ به رشته تحریر درآمده است. لازم می‌دانم از اهتمام، پیگیری و پشتیبانی ایشان، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم.

مجید جعفرپور / شهر مقدس قم

شانزدهم تیر ماه ۱۴۰۱ / هفتم ذی الحجه ۱۴۴۳

روز شهادت امام باقر علیه السلام

فصل اول



مهدویت در خطبه غدیر

در خطبه شریف غدیر به موضوع مهدویت و امام زمان علیه السلام توجه خاصی شده است و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در بیست و پنج جمله درباره موعود موجود اشاره فرموده است. خبر دادن از مهدی موعود برای آن مردمی که قبول ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام برایشان سنگین بود، بیانگر آینده نگری اسلام و برنامه بلندمدت دین الهی برای مسلمانان است.

بر اساس آیات و روایات، می توان گفت: اصل برپایی جریان غدیر برای معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان امام و ولی و وصی پس از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در جامعه اسلامی بوده است، اما این که در میان آن سخنان گوهربار، به امام زمان علیه السلام نسبت به سایر امامان معصوم علیهم السلام توجه خاصی شده، ممکن است به این سه دلیل باشد:

اولاً، وقتی آغاز و انجام امری، با استحکام و پیش بینی همه جانبه صورت گیرد، توجه و اهتمام مردم در گرویدن و پایبند بودن به آن دین بیشتر خواهد بود؛ زیرا در خطبه غدیر ابتدا به مسأله مهم امامت امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره شده و سپس مسأله امامت امام مهدی علیه السلام با توجه خاصی مطرح شده است.

ثانیاً، توجه خاص به حضرت مهدی علیه السلام در این خطبه، به این دلیل است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را بر حذر داشت که از صراط اهل بیت علیهم السلام برنگردند؛ فرمود که امام زمان علیه السلام دارای ویژگی اصلاح کنندگی است (و چنان چه انحرافی اتفاق بیافتد) دین خدا را اصلاح خواهد نمود و همه ظلم‌ها و بی عدالتی‌هایی که در حق اهل بیت علیهم السلام شده را جبران خواهد نمود.

ثالثاً، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌خواهد بفرماید که این دین در سلسله امامت، پایانی خواهد داشت؛ زیرا در صورت نداشتن پایان و رها شدن به حال خود، هم بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان خاتم الانبیاء عبث و بیهوده خواهد بود و هم در مرتبه‌ای بالاتر، کار خداوند بیهوده خواهد بود و خداوند هم کار بیهوده انجام نمی‌دهد.

لازم به ذکر است که اعلام این مطالب در واقعه غدیر، یک پیش‌گویی و خبر از غیب نیز به شمار می‌آید.

خطبه غدیر از یازده بخش تشکیل شده که پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در سه بخش (ششم، هشتم و دهم)، بیست و پنج جمله درباره حضرت مهدی علیه السلام صحبت فرموده است:

جمله اول: در بخش ششم خطبه که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره کارشکنی منافقان صحبت می‌کند؛ بسیار زیبا و ظریف به مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالتُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا

فَقَرَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا^۱ ... مَعَاشِرَ النَّاسِ، التُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِيَّ، ثُمَّ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا؛ اِی مردم، به خدا و رسول و نور همراهش ایمان آورید پیش از آن که چهره‌ها را تباه و واژگونه کنیم... اِی مردم، نور از سوی خداوند بلند مرتبه در جان من، سپس در جان علی بن ابی طالب، آن‌گاه در نسل او تا قائم مهدی که حق خدا و ما را می‌ستاند، جا گرفته است...».

نکات

۱. در این قسمت از خطبه، پیامبر خدا ﷺ به صراحت جریان نور را علاوه بر خود، در امیرالمؤمنین ﷺ و امامان از نسل ایشان تا مهدی موعود ﷺ جاری و ساری می‌داند و آن بزرگوار را گیرنده تمام حق الله و حق اهل بیت ﷺ که به آن‌ها ظلم شده است، معرفی می‌فرماید.

۲. جمله «مَعَاشِرَ النَّاسِ، آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالتُّورِ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ»، اشاره است به آیه هشتم از سوره تغابن که خداوند به اهل ایمان دستور می‌دهد: ﴿فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالتُّورِ الَّذِي أُنزِلْنَا﴾؛ پس به خدا و رسول او و نوری که فرو فرستاده‌ایم، ایمان آورید.

ابو خالد کابلی گوید: از امام باقر ﷺ تفسیر سخنی خداوند بلند مرتبه را پرسیدم: ﴿فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالتُّورِ الَّذِي أُنزِلْنَا﴾؛^۲ «به خدا و رسولش و نوری که فرستاده‌ایم، ایمان آورید»، امام فرمود: «ای ابا خالد، به خدا سوگند که مقصود از نور، امامان از خاندان محمد ﷺ باشند تا روز قیامت، به خدا که ایشانند

۱. اشاره به آیه ۴۷ از سوره آل عمران.

۲. سوره تغابن، آیه ۸.

همان نور خدا که فرو فرستاده است، به خدا که نور خدا در آسمان ها و زمین، ایشان هستند، به خدا ای ابا خالد، نور امام در دل مؤمنین از نور خورشید تابان در روز، روشن تر است، به خدا که امامان دل های مؤمنین را منور سازند و خدا از هر کس خواهد نور ایشان را پنهان دارد، پس دل آنها تاریک شود، به خدا ای ابا خالد، بنده ای ما را دوست ندارد، و از ما پیروی نکند، تا این که خدا قلبش را پاکیزه کرده باشد، و خدا قلب بنده ای را پاکیزه نکند تا این که با ما خالص شده باشد، و آشتی کرده باشد (یک رنگ شده باشد و سازگار) و چون با ما سازش کرد خدا از حساب سخت نگاهش دارد، و از هراس بزرگ روز قیامت ایمنش سازد.^۱

نکات

۱. مقصود روایت این است هر کس بخواهد نسبت به اهل بیت علیهم السلام دوستی و محبت پیدا کند، باید خداوند قلبش را تطهیر کند، و خدا قلبی را تطهیر نمی کند، مگر این که همواره تسلیم اهل بیت علیهم السلام باشد. آن گاه اگر کسی این مسیر را پیمود، نتیجه حب، تطهیر و تسلیم این است که انسان به مقام امنیت و سلم می رسد و مقام سلم، زمینه گذر از سختی های قیامت است.
۲. حب و ولایت، تطهیر لازم دارد و برای تطهیر، تسلیم لازم است. اگر کسی

۱. سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا»؛ فَقَالَ: «يَا أَبَا خَالِدٍ، النُّورُ وَاللَّهُ الْأَيُّمَةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ، وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ، وَاللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ، لِنُورِ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ نُورٌ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ، وَهُمْ وَاللَّهُ يُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ يَحْجِبُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ، فَتُظْلِمُ قُلُوبَهُمْ، وَاللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ، لَا يَحِجُّنَا عَبْدٌ وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُظَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَ لَا يُظَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا، وَ يَكُونُ سَلْمًا لَنَا، فَإِذَا كَانَ سَلْمًا لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ، وَ آمَنَهُ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ» (كافي، شيخ كليني، ج ۱، ص ۱۹۴، بَابُ أَنَّ الْأَيُّمَةَ عليهم السلام نُورُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ح ۱).

به مقام حُبّ و ولایت رسید، به باطن ولایت راه پیدا می‌کند. آنجاست که: «هُمَّ وَ اللَّهُ يُؤَوِّزُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ؛ به خدا قسم که امامان دل‌های مؤمنین را منور سازند».^۱

۳. اگر قلب پاک نباشد، محبت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام در آن جای نمی‌گیرد. پاکی قلب نیز فقط در اثر تسلیم بودن نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام برای انسان به وجود می‌آید. پس آن کسی که طالب محبت امام علیه‌السلام است، باید تا آن جا که می‌تواند، تسلیم بودن را در خود تقویت کند؛ هر چه درجه تسلیم بالاتر رود، قلب پاک‌تر و در نتیجه محبت به امام علیه‌السلام هم بیشتر می‌شود.^۲

جمله دوم تا جمله بیست و چهارم: پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بخش هشتم، بار دیگر روند پیوسته نبوت و امامت را مطرح نموده و یادآور می‌شوند که سررشته این نظم، در دست علی علیه‌السلام است و پایان بخش این مسیر، حضرت مهدی علیه‌السلام خواهد بود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَ إِنِّي رَسُولٌ وَ عَلَيَّ الْإِمَامُ وَ الْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي، ... أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِي...».

در این بخش از گفتار پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به صورت مستقل به امام زمان علیه‌السلام و بیان بیست و سه ویژگی از اوصاف آن حضرت اختصاص دارد. حساسیت این قسمت از سخن را از آن جا می‌توان دریافت که حضرتش هجده مرتبه مردم را با تکرار لفظ هشدار دهنده «ألا» (هان، آگاه باشید)، به دقت در کلام خود فرا می‌خواند.

بنابراین نقطه اوج خطبه غدیر همین بخش هشتم است که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آینده جهان را به صورت تابلویی بسیار زیبا طراحی کرده‌اند. این بخش از خطبه غدیر، دارای اهمیت ویژه است و چنانچه به خوبی در آن تأمل و دقت شود،

۱. برای آگاهی بیشتر، رک: صبر جمیل، آیت الله سید محمد مهدی میرباقری، ص ۳۱-۴۷.

۲. معرفت امام عصر علیه‌السلام، سید محمد بنی هاشمی، ص ۳۶۱.

موضوعاتی همچون: حکومت، شخصیت، علم، عصمت و ولایت تکوینی امام عصر علیه السلام در آن روشن می‌شود.

جمله بیست و پنجم: در بخش دهم خطبه که درباره حلال و حرام، واجبات و محرّمات است و پیش از بیعت گرفتن رسمی از مردم؛ به آنان می‌فرماید: «فَأْمُرْتُ أَنْ أَخْذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفْقَةَ لَكُمْ يَقْبُولُ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيِّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْاَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ، إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ يَلْقَى اللَّهَ الَّذِي يُقَدِّرُ وَ يَقْضِي؛^۱ مأمورم که از شما بیعت بگیرم که دست در دست من نهید، در مورد پذیرش آن چه از سوی خداوند درباره علی امیرالمؤمنین آورده‌ام و درباره جانشینان پس از او که آنان از من و از او هستند و این امامت در میان آنان پایدار است، آخرین نفر از امامان، مهدی است و استواری امامت تا روزی است که او با خداوند صاحب قدر و قضا دیدار کند (یعنی تا قیامت)».

اوصاف امام زمان علیه السلام در خطبه غدیر

در این بخش به اندازه‌وسع ناچیز علمی خود تلاش می‌کنیم که بیست و سه ویژگی از اوصاف امام زمان علیه السلام را در خطبه غدیر شرح دهیم تا ظرافت‌های بیانی حضرت رسول صلی الله علیه و آله درباره امام عصر علیه السلام بیش از پیش آشکار شود:

۱. خاتم امامان، قائم، مهدی

«أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ؛^۲ آگاه باشید که ختم‌کننده امامان،

قائم مهدی از ماست».

۱. التّحصين، سيد ابن طاووس، ص ۵۹۰.

۲. همان، ص ۵۸۸؛ احتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۶۴.

در روایتی که از امام عصر علیه السلام نقل شده، این گونه خود را معرفی می فرماید: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِي وَ شِيعَتِي؛^۱ من ختم کننده جانشینان هستم و خداوند بلند مرتبه به سبب من از اهللم و شیعیان و پیروانم، بلا و گرفتاری را دور می کند».

لقب قائم

با مراجعه به روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام، می توان گفت: هیچ لقبی به اندازه «قائم»، برای آن حضرت مورد استفاده قرار نگرفته است. در لغت، واژه «قائم»، اسم فاعل از ریشه «قَامَ، يَقُومُ، قِيَامًا»؛ به معنای به پا خاسته و قیام کننده است.^۲ گویا از آنجا که قیام آن حضرت درخشان ترین فصل زندگی ایشان است؛ اتصاف به این صفت و لقب، همواره در کلام معصومان علیهم السلام مورد تصریح قرار گرفته است؛ بنابراین مهم ترین سبب اتصاف به این لقب، آن است که آن بزرگوار، در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی و اجتماعی، بزرگ ترین قیام تاریخ را رهبری خواهد کرد.^۳ البته می توان تمام امامان علیهم السلام را قائم به حق دانست؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود: «كُلُّنَا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ»؛^۴ همه ما قیام کننده به حق هستیم». اما ویژگی های قیام امام مهدی علیه السلام، آن حضرت را از دیگر امامان ممتاز ساخته است.

درباره سبب نامیده شدن حضرت به «قائم»، می توان به روایات زیر اشاره کرد:

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۴۱.
۲. مصباح المنیر، قیومی، ج ۲، ص ۵۲۰؛ مفردات، راغب اصفهانی، ص ۶۹۰.
۳. إرشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۲-۳۸۷.
۴. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۵۳۶، بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ علیهم السلام كُلَّهُمْ قَائِمُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى هَادُونَ إِلَيْهِ، ح ۱.

روایت اول

محمد بن عجلان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «...سُمِّيَ بِالْقَائِمِ، لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ»^۱ این که او را قائم نامند، برای آن است که به حق قیام می کند». نکته: این معنا مطابق با واژه لغوی است و امام مهدی به عنوان قیام کننده به حق با اهداف گسترش عدالت و احیای ارزش ها قیام می کند.

روایت دوم

ابو حمزه ثُمالی گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا، آیا همه شما قائم و به پا دارنده حق نیستید؟ فرمود: «بلی»، عرض کردم: چرا حضرت مهدی علیه السلام را قائم نامیده اند؟ فرمود: «لَمَّا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ علیه السلام صَجَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْبُكَاءِ وَالتَّحِيْبِ، وَ قَالُوا إِهْنَا وَ سَيِّدَنَا، أَ تَغْفُلُ عَمَّنْ قَتَلَ صَفْوَتَكَ وَ ابْنَ صَفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ، فَرَوَا مَلَائِكَتِي، فَوَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي، لِأَنَّتَمَنْ مِنْهُمْ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ، ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنِ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام لِلْمَلَائِكَةِ، فَسَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ بِذَلِكَ، فَإِذَا أَحَدَهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَمُ مِنْهُمْ»^۲ هنگامی که جدم حسین علیه السلام کشته شد، فرشتگان گریستند و ضجه زدند و به درگاه الهی نالیدند و گفتند: ای خدا و ای سرور ما، آیا از کسی که برگزیده و فرزند برگزیده و بهترین خلق تو را کشته، غافل هستی؟ خداوند بلند مرتبه به ایشان وحی فرمود: ای فرشتگان من، آرام باشید، قسم به عزت و جلال خودم، از قاتلان او انتقام

۱. /ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۳.

۲. علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۶۰، باب العلة التي من أجلها سمي علي بن أبي طالب أمير المؤمنين و العلة التي من أجلها سمي سيفه ذا الفقار و العلة التي من أجلها سمي القائم قائماً و المهدي مهدياً، ح ۱.

خواهم گرفت اگر چه در زمان بعد باشد، سپس امامانی که از فرزندان حسین علیه السلام هستند را به ایشان نشان داد، آن‌ها خوشحال شدند، در بین فرزندان حضرت، یکی از آنان ایستاده و نماز می‌خواند، پس خداوند بلند مرتبه فرمود: با این قائم از آن قاتلان انتقام خواهیم گرفت».

نکته: در این روایت، لقب قائم در معنای قیام در نماز و قیام برای انتقام امام حسین علیه السلام بیان شده است.

روایت سوم

صقر بن ابی دُلف گوید: از امام جواد علیه السلام پرسیدم: «چرا او را قائم می‌نامند؟» فرمود: «لِأَنَّهُ يُقَوْمُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ»^۱ چون پس از آن قیام می‌کند که از یادها رفته است و بیشتر معتقدان به امامتش برگشته‌اند».

نکته: علت این تسمیه این است که قبل از ظهور و قیام امام عصر علیه السلام، مردم نام او را نمی‌برند و از او یادی نمی‌کنند. مؤید این تحلیل می‌تواند القاب دیگری باشد که در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الشَّرِيدُ الطَّرِيدُ الْفَرِيدُ الْوَحِيدُ»^۲ صاحب این امر، آواره، رانده شده، تک و تنها است».

لقب مهدی

در منابع مختلف، برای امام عصر علیه السلام بیش از سیصد لقب ذکر شده است که هر یک از لقب‌ها بر گوشه‌ای از ویژگی‌های شخصیت بی‌نظیر آن حضرت دلالت دارد؛ اما از میان همه القاب آن حضرت، مشهورترین آن‌ها، لقب «مهدی» است. در لغت، واژه «مهدی» (به فتح میم)، اسم مفعول از ریشه «هَدَى يَهْدِي» به

۱. کمال‌الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۳.

معنای هدایت شده است.^۱ واژه نویسان و لغت‌شناسان اهل سنت در ذیل کلمه «مهدی» چنین آورده‌اند: **الْمَهْدِيُّ: الَّذِي قَدْ هَدَاهُ اللَّهُ إِلَى الْحَقِّ، وَقَدْ اسْتَعْمَلَ فِي الْأَسْمَاءِ حَتَّى صَارَ كَالْأَسْمَاءِ الْغَالِيَةِ؛**^۲ «مهدی» به معنای هدایت‌شده، کسی که خداوند او را به حق دعوت کرده است و «مهدی» گاه در نام اشخاص به کار رفته، تا آنجا که به طور غالب، اسم (عَلِمَ) و شناخته شده آن‌ها شده است. زُبَيْدِي در ادامه بیان خود می‌نویسد: **وَ بِهِ سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي بُشِّرَ بِهِ أَنَّهُ يَجِيءُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، جَعَلَنَا اللَّهُ مِنْ أَنْصَارِهِ؛**^۳ و به این اسم، نام‌گذاری شده، همان مهدی که به آمدنش در آخر الزمان بشارت داده شده است؛ خداوند ما را از یاران او قرار دهد. نکته: با توجه به روایات و مقام امامت آن حضرت، گاهی نیز «مهدی» به معنای اسم فاعل، یعنی؛ «هدایت‌کننده» مردم نیز می‌آید؛ به عنوان نمونه، محمد بن عجلان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: **«... وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ قَدْ ضَلُّوا عَنْهُ؛ ...** و قائم را از آن‌رو مهدی گفته‌اند که مردم را به آیینی هدایت می‌کند که از دست داده‌اند...»^۴.

اما آنچه بیشتر در روایات آمده، همان معنای نخست (هدایت شده) است:

روایت اول

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: **«إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ مَهْدِيًّا، لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ، وَ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةٍ؛**^۵ به درستی

۱. تاج العروس، زُبَيْدِي، ج ۲۰، ص ۳۳۲، ماده هدی.

۲. لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۵، ص ۳۵۴؛ تاج العروس، زُبَيْدِي، ج ۲۰، ص ۳۳۲، ماده هدی.

۳. تاج العروس، زُبَيْدِي، ج ۲۰، ص ۳۳۲، ماده هدی.

۴. إرشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۲.

۵. علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳؛ کتاب الغیبه، نُعمانی، ص ۲۳۷، ح ۲۶.

که مهدی نامیده شد به سبب این که به امر مخفی هدایت می شود. او تورات و سایر کتاب های الهی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد».

روایت دوم

هنگامی که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا مهدی، مهدی نامیده شده است؟، فرمود: «لَا نَهْ يُهْدَى إِلَى أَمْرٍ خَفِيٍّ؛^۱ به دلیل این که به تمام امور پنهان هدایت می شود». نکته: لقب «مهدی» به آخرین امام اختصاص ندارد و بقیه امامان علیهم السلام نیز «مهدی» هستند؛^۲ مانند این که از امام باقر علیه السلام سؤال شد: آیا شما مهدی هستید؟ آن حضرت فرمود: «همه ما [اهل بیت] به سوی خدا هدایت می کنیم». ^۳ ولی فقط از آخرین پیشوا به «مهدی» یاد شده است.^۴

نکات

۱. براساس جمله «الَا إِنَّ خَاتَمَ الْإِيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِي»؛ رسول خدا در سه واژه، تمام مختصات امام زمان علیه السلام و حکومت جهانی او که تمام پیامبران به آن وعده داده اند؛ معرفی فرموده است:

یک، «خاتم الائمه»؛ یعنی وارث همه پیامبران است؛

دو، «القائم»؛ یعنی قیام کننده خالص است؛ یعنی برای همه چیز قیام می کند:

وضع دینی، اجتماعی، اقتصادی و ... که تمام این معانی در «القائم» مندرج هست؛

۱. کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۷، ح ۲۶؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۷۱.

۲. «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ» (عیون أخبار الرضا علیه السلام)، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.

۳. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۵۳۶، بَابُ أَنَّ الْأِيْمَةَ علیهم السلام كُلُّهُمْ قَائِمُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى هَادُونَ إِلَيْهِ، ح ۱.

۴. رك: المصنف، صنعانی، ج ۱۱، ح ۲۰۷۷۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۰، ح ۴۰۸۵، ۴۰۸۶، ۴۰۸۷، ۴۰۸۸؛ سنن ابوداود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۲۴۸۵.



سه، «المهدی»؛ یعنی هدایت شده از جانب خداوند است.

۲. بر اساس روایات، اسم و کُنیة امام زمان علیه السلام، همان اسم و کُنیة پیامبر صلی الله علیه و آله است. در روایتی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «المهدی من ولدی اسمُهُ اسمی و کُنیة کُنیی؛^۱ اسمش اسم من است (یعنی همان اسم خاص «م ح م د» و کُنیة اش هم، کُنیة من است (یعنی ابوالقاسم)).»

۳. امامان معصوم به تبعیت از پیامبر صلی الله علیه و آله، هرگز حضرت حجت علیه السلام را با نام اصلی خود نخوانده‌اند و پیوسته ایشان را با القاب و کنیه‌ها یاد کرده‌اند. در برخی از روایات، از بردن نام آن حضرت نهی شده و دلیل خاصی برای این دستور بیان نشده است؛ به عنوان مثال، امام باقر علیه السلام فرمود: عُمَرُ از امیر مؤمنان علیه السلام درباره «مهدی» سؤال کرد و گفت: مرا با خبر ساز که نام مهدی چیست؟ امام فرمود: «أَمَّا اسْمُهُ فَلَا، إِنَّ حَبِيبِي وَ خَلِيلِي عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُحَدِّثَ بِاسْمِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛ نام او را نمی‌گویم، همانا محبوب و دوستم به من سفارش کرده که از نام او سخنی به میان نیاورم تا این که خداوند بلند مرتبه او را برانگیزد.»^۲

یا این عبارت از امام زمان علیه السلام که در یکی از توقیعات آمده است: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَن سَمَانِي فِي مَحْفَلٍ مِّنَ النَّاسِ؛ از رحمت خدا به دور باد، از رحمت خدا به دور باد کسی که اسم مرا در محفلی از مردم ببرد.»^۳

۲. غالب بر ادیان

«أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ؛ بدانید که اوست غلبه کننده بر همه ادیان.»

در شرح این جمله، این نکته قابل اهمیت است که پیامبر صلی الله علیه و آله در این جمله فرموده است: «شخص امام زمان علیه السلام بر ادیان غالب است.»

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۴۸.

۳. همان، ص ۴۸۲.

امام هادی علیه السلام نیز در زیارت غدیریه، امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان دین استوار معرفی می فرماید: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ»؛^۱ یعنی خود امام دین است. پس می توان گفت: شخص امام زمان علیه السلام به عنوان دین بر ادیان غالب است. در نتیجه جمله «أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ»؛ یعنی کل دین، امام عصر علیه السلام است و در رأس مخروط دین قرار دارد و اگر به دستورات او عمل کنیم، تمام دین را دارا هستیم. از این رو، در روایات وارد شده است که اگر کسی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را قبول کند و بپذیرد، همه چیز را قبول کرده است و اگر امیرالمؤمنین علیه السلام را قبول نکند، همه چیز را منکر شده است.^۲ این امر بدان سبب است که کل دین عبارت است از وجود مقدس امامان معصوم علیهم السلام.

شواهد قرآنی

در قرآن کریم دو آیه در تأیید جمله «أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ» آمده است که عبارتند از:

آیه اول

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۗ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛^۳ اوست که رسول خود را با (وسایل) هدایت و دین حق و درست فرستاد تا آن را بر هر دینی پیروز و غالب گرداند هر چند مشرکان خوش ندارند.

۱. المزار الكبير، ابن مشهدی، ص ۲۶۴.

۲. در روایتی ابو حمزه ثمالی از امام سجاد علیه السلام چنین نقل کرده است: «قَالَ لَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام: «أَيُّ الْبِقَاعِ أَفْضَلُ؟»، قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ، قَالَ: «إِنَّ أَفْضَلَ الْبِقَاعِ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا عَمَّرَ مَا عَمَّرَ نُوْحٌ علیه السلام فِي قَوْمِهِ أَهْلَ سَنَةِ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا»،^۲ يَصُومُ نَهَارًا وَيُصُومُ لَيْلًا فِي ذَلِكَ الْمَقَامِ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِغَيْرِ وَلَايَتِنَا لَمْ يَنْتَفِعْ بِذَلِكَ شَيْئًا» (محاسن، برقی، ج ۱، ص ۹۱؛ ثواب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۲۰۴؛ امالی، شیخ طوسی، ص ۱۳۲، مجلس پنجم).

۳. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹.

محمد بن فضیل گوید از امام کاظم علیه السلام درباره این آیه پرسیدم: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ﴾، امام فرمود: «هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَايَةِ لَوْصِيَّتِهِ وَالْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ؛ یعنی اوست که به رسول خود فرمان داده برای ولایت و امامت وصی او، و ولایت، همان دین و آیین حق است»، گفتم: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾، حضرت فرمود: «يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ»^۱ در وقت ظهور امام قائم، او را بر همه دین‌ها پیروز کند و برتری دهد».

آیه دوم

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا^۲؛ اوست آن که رسول خود را با (چراغ) هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز کند (از نظر منطقی و برهان، یا پیروان واقعی آن را در حکومت بر جهانیان پیروز کند) و خداوند در گواهی (بر این مطلب) کافی است.

البته غیر از این آیات و روایت ذیل آن‌ها، روایات گوناگونی از سوی امامان معصوم علیهم السلام صادر شده‌اند که مضمون و معنای عبارت پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام زمان علیه السلام را در روز غدیر معنا و تأیید می‌کنند.

۳. انتقام گیرنده از ستمکاران

«إِنَّمَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ آگاه باشید که او [خاتم امامان قائم مهدی]

۱. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۴۳۲، بَابُ فِيهِ نَكَتٌ وَنُتِفَتْ مِنَ التَّنْزِيلِ فِي الْوَلَايَةِ، ح ۹۱.

۲. سوره فتح، آیه ۲۸.

انتقام گیرنده از ستمگران است».

«انتقام» در لغت به معنای مجازات کردن به کار می‌رود.^۱ در بعضی از

روایات، از حضرت بقیة الله علیه السلام با لقب «منتقم» یاد شده است:

روایت اول

احمد بن اسحاق اشعری گوید: روزی در حضور امام عسکری علیه السلام بودم که توفیق زیارت فرزند بزرگوارشان امام مهدی علیه السلام نصیب من شد. شنیدم که آن جانشین بر حق امام عسکری علیه السلام فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ...»^۲ من ذخیره الهی در روی زمین هستم که از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت».

روایت دوم

سالار شهیدان امام حسین علیه السلام به فرزندش زینت عابدان امام سجاد علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ، وَاللَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ الْمُهْدِيَّ، فَيَقْتُلَ عَلَيَّ دَمِي مِنَ الْمُتَأَفِّفِينَ الْكُفْرَةَ الْفَسَقَةَ سَبْعِينَ أَلْفًا»^۳ ای علی، سوگند به خدا، خون من از جوشش باز نمی‌ایستد تا این که خداوند، مهدی را برانگیزد. او به انتقام خون من، از منافقان فاسق و کافر، هفتاد هزار نفر را می‌کشد».

۱. مفردات، راغب اصفهانی، ص ۸۲۲.

۲. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۸۴.

۳. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۵.



۴. فاتح و هادِم

«أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا؛ آگاه باشید که او فاتح دژها و منهدم کننده

آن‌هاست».

این فراز از ویژگی‌های آن حضرت، نشان دهنده آن است که دنیای قبل از ظهور ایشان، دارای ویژگی‌های خاصی است که سبب شده است تا پیامبر رحمت ﷺ، آن بزرگوار را این گونه و با این صفات با اقتدار و هول انگیز معرفی فرماید.

البته همه این مطالب درست است؛ زیرا روایات فراوانی از عامه و خاصه به ما رسیده است که نمایانگر این است که دنیای قبل از ظهور ایشان، جولانگاه ظالمان، مشرکان و بی‌دینان است؛ کسانی که با در دست داشتن قدرت، پیوسته در حال ظلم و ستم در دنیا هستند.

از طرف دیگر، این مطالب، دلگرمی است به شیعیان آن حضرت و مردمی که مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند و به آن‌ها روح امید و زندگی را تزریق می‌کند؛ به همین دلیل، اعتقاد به چنین منجی و نجات دهنده‌ای، سرآغاز حیاتی امیدبخش در جامعه اسلامی و حتی سایر جوامع است که این روند رو به افزایش ظلم و ستم در جهان، بالاخره در نقطه‌ای متوقف خواهد شد و آن منجی با در هم کوفتن صلابت ظالمان و مشرکان و بی‌دینان، آرامش و عدل و داد جهانی را به ارمغان خواهد آورد.

۵. غالب بر مشرکان و هادی ایشان

«أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ وَ هَادِيهَا؛ آگاه باشید که او غلبه کننده

بر تمامی قبیله‌های اهل شرک و هدایت کننده آن‌هاست».

در این عبارت نکته مهم و قابل توجه این است که دو ویژگی متناقض را در امام زمان علیه السلام معرفی می‌کند: اول، غالب بودن؛ دوم، هادی بودن برای دسته مغلوب. باید توجه داشت که بسیاری از افراد غالب و پیروز، ویژگی هادی بودن را ندارند؛ یعنی خیلی از افراد نمی‌توانند همه صفات متضاد و متناقض را با هم و در یک لحظه در وجودشان داشته باشند، ولی امامان معصوم علیهم السلام دارای این نوع ویژگی‌ها هستند؛ مثلاً امیرالمؤمنین علیه السلام هم یک جنگجوی شجاع به تمام معناست و هم وقتی بچه یتیمی را می‌بیند، تمام پشتش به لرزه درمی‌آید و گریه می‌کند. امام زمان علیه السلام هم جامع این دو صفت متضاد است؛ یعنی ضمن این که غلبه دارد، ولی با قهر و غلبه آن‌ها را از بین نمی‌برد؛ بلکه هدایت می‌کند.

در جنگ خیبر، رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام درباره فضیلت هدایت کردن انسان‌ها فرمود: «لَأَنَّ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا، خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ؛ اگر خداوند یک نفر از ایشان را به وسیله تو هدایت کند، برای تو بهتر است از آن چه خورشید بر آن می‌تابد»^۱.

نکات

۱. از جمله «و هَادِيهَا» فهمیده می‌شود که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند، تمام وجودش زور و غضب نیست؛ بلکه ابتدا اتمام حجت می‌کند و انسان‌ها را به حق و حقیقت دعوت و هدایت می‌کند.

۲. در زیارت آل یاسین می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمُنْصُوبُ،

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۳۲، ص ۴۴۸؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید،

وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْعَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَاً غَيْرَ مَكْدُوبٍ».^۱ در این زیارت، «رحمت» با صفت «واسعه» بیان شده و این بدان معناست که رحمت امام عصر علیه السلام فراگیر است و معلوم می‌شود چیزی که غلبه دارد، رحمت امام زمان علیه السلام است تا انتقام و از بین بردن مشرکان؛ چون امامان معصوم، مظهر تمام نمای صفات جمال و جلال خداوند هستند و یکی از صفات جمال خداوند این است: «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ»^۲ ای کسی که رحمتش بر غضبش پیشی گرفته است». با این بیان که در مورد خداوند اصل بر رحمت است، ولی به خاطر دوام امواج خروشان رحمت، غضب هم دارد. غضب خداوند به خاطر این است که افراد مزاحم رحمت را کنار بزند، تا رحمت ادامه پیدا کند. از این رو، حضرت حجت علیه السلام هم می‌آید تا موانع انتشار رحمتش را برچیند و این موانع چیزی جز مشرکان و ملحدان نیستند.

۳. دغدغه اصلی امام زمان علیه السلام این است که مردم، موحد و یکتاپرست شوند؛ زیرا اصل و اساس رکن جامعه جهانی، توحید است و تا این مهم تحقق نیابد، نمی‌توان جامعه اسلامی جهانی را تشکیل داد. از این رو، ایشان با وجود این‌که غالب و پیروز است، مشرکان را نیز به صراط مستقیم و یکتاپرستی دعوت و هدایت می‌کند.

۶. طالب خون اولیا

«إِلَّا إِنَّهُ مُدْرِكٌ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ؛ آگاه باشید او، به دست آورنده خون همه دوستان خداوند است».

۱. المزار الكبير، ابن مشهدی، ص ۵۶۸.

۲. کتاب المزار، شیخ مفید، ص ۱۶۱.

«مُدْرِك» در لغت به معنای درک کننده است؛ ولی در این عبارت بهتر است به معنای «خون خواه» بگیریم و خون خواه یعنی «وَلِيَّ دَمٍ»؛ این عبارت، امام زمان علیه السلام را ولی دم اولیای الهی معرفی می‌فرماید.

«ثَار» در لغت، مترادف «ذَحْل» به معنای طلب خون است،^۱ و «ثَائِر» در لغت به معنای قصاص کننده، انتقام گیرنده، طلب کننده خون است^۲ یا به کسی گفته می‌شود که به هیچ وضعی قرار و آرام نمی‌گیرد تا این که خون بهای خویش را بگیرد.^۳ در روایات، ادعیه و زیارات به این لقب اشاره شده است:

روایت اول

امام صادق علیه السلام در دعای ندبه می‌فرماید: «أَيُّنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيُّنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ؛^۴ کجاست آن منتقمی که خون به ناحق ریخته و پایمال شده پیامبران و فرزندان آن‌ها را طلب خواهد کرد؛ کجاست آن که از خون شهید کربلا انتقام خواهد کشید؟».

روایت دوم

امام باقر و امام صادق علیه السلام در زیارت عاشورا از خداوند رزق خون خواهی از خداوند درخواست می‌کنند: «وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ شَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ (هُدَى) ظَاهِرٍ نَاطِقٍ (بِالْحَقِّ) مِنْكُمْ؛^۵ و این که خون خواهی شما را روزی من قرار دهد به

۱. لسان العرب، ابن منظور، ج ۴، ص ۹۷.

۲. کتاب العين، فراهیدی، ج ۸، ص ۲۳۶.

۳. مجمع البحرین، طریحی، ج ۳، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۴. المزار الكبير، ابن مشهدی، ص ۵۷۹؛ اقبال الأعمال، سید ابن طاووس، ج ۱، ص ۲۹۷.

۵. کامل زیارات، ابن قولویه، ۱۷۷؛ مصباح المتعجد، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۷۷۵؛

المزار الكبير، ابن مشهدی، ص ۴۸۳.

همراه یک پیشوای هدایت و راستی و پیشوای نمایان و گویای به حق که از شما (اهل بیت) است».

روایت سوم

امام صادق علیه السلام در دعایی از خداوند درخواست می‌کند: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ، اِشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ، اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ، اُطْلُبْ بِدَمِ الْحُسَيْنِ؛^۱ خدایا، ای پروردگار حسین، سینه حسین را شفا ده، خدایا، ای پروردگار حسین، طلب‌کننده خون حسین باش».

روایت چهارم

امام باقر علیه السلام به شیعیان فرمود: «در روز عاشورا این‌گونه به همدیگر تسلیت بگویید: اَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ علیه السلام وَ جَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِشَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام؛^۲ خداوند مردهای ما را به خاطر سوگواریمان به حسین (که بر او سلام باد) بزرگ گرداند و ما و شما را از خواهندگان خون او به همراه ولی (و نماینده خاصش) امام مهدی از خاندان محمد (که بر آنان سلام باد) قرار دهد».

نکته: سید ابن طاووس نیز برای سرداب مقدس سامرا زیارتی نقل کرده و امام غائب را این‌گونه سلام داده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَالِبَ ثَارِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ الثَّائِرِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؛^۳ سلام بر تو

۱. کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۲۳۸.

۲. مصابح المتجهج، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۷۷۳. ابن قولویه در کتاب خود این‌گونه نقل کرده است: عَظَّمَ اللَّهُ... (کامل الزیارات، ص ۱۷۵).

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۹۹، ص ۸۶.

ای طلب کننده و خون خواه پیامبران و فرزندان پیامبران و انتقام گیرنده از خون شهید کربلا».

۷. ناصر دین

«أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِذِيْنَ اللَّهِ؛ آگاه باشید که او یاور دین خداوند است».

این عبارت در واقع تکمیل کننده عبارت «أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ» است. در این عبارت مراد از دین خدا، اسلام است که پیامبر ﷺ در همین خطبه غدیر به این موضوع اشاره فرموده است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۱.

اما کدام دین اسلام؟ بر اساس آیه اکمال، دین مورد رضایت پروردگار، اسلام همراه با ولایت است که در روز غدیر به آن تأکید شده است: «أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ، وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي، وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۲؛ امروز دین شما را برایتان کامل، و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی (استوار و پایدار) پذیرفتم.

با توجه به عبارت «أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ»، عبارت «أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِذِيْنَ اللَّهِ»، به این معناست که امام زمان ﷺ تمام اسلام علوی را در جهان پیاده می کند و دین خدا را در تمامی گستره زمین با ابلاغ و اجرای دستورات خداوند یاری می کند؛ از این رو، امام عصر ﷺ هم وظیفه ابلاغ و هم وظیفه اجرای دستورات الهی دارد.

یکی از ویژگی های قابل ذکر یاران حضرت مهدی ﷺ این است که آنان باید در

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۲. سوره مائده، آیه ۳.



دوران غیبت، دین خدا را هم با سخن و هم با عمل یاری کنند و تمام تلاش خود را به کار بندند تا با یاری دین خدا، زمینه ظهور آن حضرت را فراهم آورند.

۸. متصل به علم خدا

«أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنَ بَحْرِ عَمِيقٍ؛ بدانید او از دریایی عمیق بهره می‌گیرد».

«بحر عمیق»؛ یعنی دریای ژرف و «عُرفه»؛ به معنای پیمانه است. اتاق را هم عُرفه می‌گویند؛ زیرا به معنای جایی محدود است. «عَرَّاف» صیغهٔ مبالغه می‌باشد؛ یعنی بسیار پیمانه بر می‌دارد؛ به این معنا که متصل به دریای ژرف است. بنابراین، «أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنَ بَحْرِ عَمِيقٍ»؛ یعنی امام عصر علیه السلام از دریای عمیق علم پیمانه پیمانه بر می‌دارد و از آن استفاده می‌کند.

نکات

۱. همان طور که گفته شد عَرَّاف، صیغهٔ مبالغه است؛ به این معنا که امام زمان علیه السلام وقتی حکومت جهانی را تشکیل می‌دهد، یک دستش در دریای عمیق علم خدادادای و یک دستش در اجرای قوانین در جهان است و این نشان می‌دهد که آن حضرت به دریای ژرف علم نامتناهی الهی وصل است و دارایی و سرمایهٔ وسیع دنیوی و اخروی را در اختیار دارد.

۲. در اصطلاح روایات و ادبیات عرب و غیر عرب، دریا به معنای دانش است. البته دریا را به رحمت و عطوفت نیز تشبیه می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند: دریای عطوفت، دریای رحمت، دریای فضیلت، دریای جود، دریای عدالت و ... ولی اصل دریا که آب زلال است به معنای علم و دانش به کار رفته است. در قرآن هم به این معنا اشاره شده است که آب را به معنای «علم امام» معرفی فرموده‌اند. به عنوان مثال، فضالة بن ایوب گوید: از امام رضا علیه السلام دربارهٔ این آیه سؤال شد:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾؛^۱ بگو: به من خبر دهید، اگر آب (سرزمین) شما فرورد، کیست که برای شما آبی روان و گوارا بیاورد؟! امام فرمود: «ماؤکم»؛ یعنی «أبوابکم» که امامان هستند و ایشان درهای رحمت الهی می‌باشند؛ جمله ﴿فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾؛ یعنی کیست که علم امام را برای شما بیاورد؟ (و آن درها را به روی شما بگشاید؟).^۲

۳. در روایتی امام صادق علیه السلام درباره گسترده‌گی علم در زمان ظهور این‌گونه فرموده است: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا، فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا، فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا»^۳ همه علم و دانش، بیست و هفت حرف (باب) است، پس همه علوم می‌که فرستادگان الهی آورده‌اند، دو حرف است که وقتی حضرت قائم ظهور کند، آن بیست و پنج حرف دیگر را خارج می‌کند و با ضمیمه کردن آن دو حرف که تا قبل از ظهور خارج شده بود، آن بیست و هفت حرف را در بین مردم منتشر می‌کند». البته این علوم غیر از علوم ظاهری است که منظور اصلی از علم، علم خداشناسی و توجه به خدا و مبادی و مبدأ و معاد جهان است.

۹. عدالت‌ورزی

«إِلَّا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ؛ آگاه باشید که او به هر ارزشمندی به اندازه ارزش او و به هر نادان و بی‌ارزشی، به اندازه نادانی او نیکی کند».

۱. سوره ملک، آیه ۳۰.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۵۰.

۳. مختصر البصائر، حسن بن سلیمان حلّی، ص ۳۲۰.



نکات

۱. واژه «یَسِمٌ»^۱ از ریشه (وَسَمَ، یَسِمُ، وَسَمًا)، به معنای علامت و نشانه گذاری است.
 ۲. ضمیر «هاء» در «بِفَضْلِهِ» و «بِجَهْلِهِ» به همان افراد «ذی فضل» و «ذی جهل» بر می‌گردد و امام زمان علیه السلام است که به هر دو قسم از گروه‌های فاضل و جاهل اعطا می‌کند.
 ۳. در توضیح عبارت «یَسِمُ كُلَّ ذی فَضْلٍ بِفَضْلِهِ»؛ باید گفت که این عبارت خیلی شبیه به این آیه از قرآن است که می‌فرماید: ﴿وَيُؤْتِ كُلَّ ذی فَضْلٍ فَضْلَهُ﴾^۲؛ به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش عطا کند. از این جا می‌توان دریافت که مراد از افراد «ذی فضل» در این آیه شریفه کسانی هستند که صفات و اعمالی بهتر و بیشتر از دیگران دارند.
- در روایات فراوانی در ذیل این آیه نقل شده است که آن کسی که فضل هر صاحب فضلی را اعطا می‌کند، علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۳
- با توجه به نص صریح این آیه و روایات ذیل آن، معلوم می‌شود که هر کسی را در جایی که لایق آن است قرار می‌دهد، نه اینکه فاضل و مفضول در دینداری را به یک چوب برانند و خصوصیات افراد را نادیده بگیرد و بر روی درجات و جایگاه‌هایی که در اجتماع دارند، خط بطلان بکشد و چنان نیست که در آن سرای،
-
۱. در برخی از نسخه‌ها به جای «یَسِمٌ»، واژه «فَسِیمٌ» آمده است؛ رک: بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۳۷، ص ۲۱۳.
 ۲. سوره هود، آیه ۳.
 ۳. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۹۸؛ شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۳۵۵.

حال افراد زحمتکش با نشاط و افراد تنبل و سُست یکسان باشد.^۱

۴. اگر امیر مؤمنان علیه السلام اعطا کننده فضل است، پس امام عصر علیه السلام را که پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه معرفی فرموده، اعطا کننده فضل خواهد بود و این فضل و برتری را با توجه به دارا بودن صفات حسنه افراد اعطا می کند و آنان را در جایگاه مخصوص خود که در شأنشان است، قرار می دهد و نیز به افرادی که در درجه پایین تری از فضائل اخلاقی و علوم دینی باشند (و خطاب به جهال شده اند) به اندازه خودشان اعطا می کند.

۵. شاید طبق قرینه لفظیه کلام، احتمالاً آن فضیلت اعطا شده، همان علمی باشد که در زمان ظهور ایشان به اتمام و اکمال می رسد.

سؤال: چرا به همه افراد به صورت یکسان اعطا نمی شود؟

در جواب باید گفت: درک و فهم افراد با هم متفاوت است و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، افراد با درک و فهم پایین را به عنوان «جاهل» خطاب فرموده است و افراد با درک و فهم بالا را با عنوان «فضلا» یاد کرده است و اینان هستند که اهل علم اند؛ زیرا علم است که باعث فضیلت و برتری افراد می شود؛ به همین دلیل، «ذی فضل»؛ یعنی «ذی علم»؛ صاحب علم و دانشمند» و در روایات فراوانی، علم و فضیلت را کنار هم و در ردیف همدیگر قرار داده اند؛ مثل آنچه که از امیربیان حضرت علی علیه السلام نقل شده است: «غَايَةُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ»^۲ و «رَأْسُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ»^۳.

۱. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۰، ص ۱۴۲.

۲. غُرُرُ الْحِكْمِ، تمیمی آمدی، ص ۴۷۰.

۳. عِبْرَةُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ، لیثی، ص ۲۶۴.



بنابراین حضرت مهدی علیه السلام به عنوان مالک اصلی علوم، قطعاً از علمومی که در دست دارد، به جویندگان علم، بیشتر اعطا خواهد کرد.

۱۰. برگزیده خدا

«إِنَّمَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ؛ بدانید او بهترین خلق خدا و انتخاب شده توسط خداوند است».

خداوند متعال وجود مقدس امامان معصوم علیهم السلام را از همه جهات انتخاب کرده و برگزیده و برتر قرار داده است.

این قسمت از خطبه، شبیه آیه ۶۸ از سوره قصص است که خداوند متعال پیامبرش را این گونه مورد خطاب قرار می دهد: ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۗ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾؛ و پروردگار توست که هر چه را بخواهد (در جهان هستی) می آفریند و (در عالم تشریح) اختیار می کند، هرگز برای آنان اختیاری (در جهان تکوین و تشریح) نیست، منزه است خداوند و برتر است از آنچه برای او شریک و همتا قرار می دهند.

بنابراین، امام زمان علیه السلام «خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ» است؛ یعنی از جمیع جهات از جانب خداوند حکیم برگزیده شده است و این یعنی جسم و روح و نور او برگزیده است.

نکته مهم: از جمله «خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ» می توان استفاده کرد که امام عصر علیه السلام که برگزیده الهی است، کمالاتی خدادادی دارد و از جمله کمالات، عصمت است؛ از این رو، وقتی که عصمت باشد باید علم هم باشد. علم هم که باشد باید در کنارش قدرت باشد و برترین نعمت هایی که خداوند متعال برای برگزیدگان

خود قرار داده، همین علم و قدرت است.^۱ علم و قدرت جزء ابزارهای برتر پیامبران و امامان علیهم السلام است. به همین دلیل، حضرت مهدی علیه السلام از تمام جهات، برگزیده و برتر است و می تواند الگو و شاخص تمام عیاری برای خلق و هدایت انسان ها باشد.

۱۱. وارث علوم

«إِلَّا أَنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ؛ بدانید او وارث تمامی علم است».

تمام علمی که خداوند در طول تاریخ نازل کرده، دوباره به آسمان باز نمی گردد و همواره در هر دوره، امامانی هستند که این علوم از امامان قبل از خود به ارث می برند و امام زمان علیه السلام وارث تمامی دانش های آفرینش است. بنابر رهنمود روایات، تمام علوم فرشتگان و میراث های علمی که نزد پیامبران گذشته بوده، به رسول خاتم صلی الله علیه و آله به ارث رسیده و پس از ایشان به امیرالمؤمنین علیه السلام انتقال یافته و هر امام نیز واسطه انتقال به امام بعدی است.^۲ آنان وارث همه صُحُف، کتب و روایات پیامبران و امامان علیهم السلام شده اند.^۳ به دو روایت در این زمینه توجه نمایید:

روایت اول

از عبدالله بن جندب نقل شده است که امام رضا علیه السلام به او نوشت: «اما بعد،

۱. رک: سوره بقره، آیه ۲۴۷.

۲. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۴، بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ وَرِثُوا عِلْمَ النَّبِيِّ وَ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ، ح ۱ و ۳ و ص ۲۲۵، ح ۴، ۵ و ۶ و ص ۲۲۶، ح ۷.

۳. یکی از بهترین دلیل ها برای میراث بردن امامان معصوم علیهم السلام از پیامبران پیشین، زیارت وارث است که در آن زیارت می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ» و نام پیامبران اولوالعزم برده می شود (کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۲۰۶).

همانا محمد ﷺ امین خدا در میان خلقش بود و چون آن حضرت در گذشت، ما (اهل بیت) وارث او شدیم، پس ما امین خدا در زمین هستیم، علم بلاها و مرگ و میرها و نژاد عرب و علم ولادت افراد بر اسلام نزد ماست و هنگامی که هر مردی را ببینیم می شناسیم که او واقعاً مؤمن است یا منافق و نام شیعیان ما و نام پدرانشان، نزد ما ثبت است...»^۲.

روایت دوم

فُضَيْلُ بْنُ يَسَارٍ گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می فرمود: «در علی ﷺ سنت هزار پیامبر بود^۳ و علمی که با آدم ﷺ فرود آمد، بالا نرفت و عالمی^۴ نمیرد که علمش از میان برود و علم به ارث منتقل می شود»^۵.

۱. یعنی نژاد صحیح و فاسد عرب را می شناسیم و از محل تولد اسلام که دل انسان است آگاهیم.
۲. «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مُحَمَّدًا ﷺ كَانَ أَمِينَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، فَلَمَّا فُيْضَ كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَتُهُ، فَتَحْنُ أُمَّتَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، عِنْدَنَا عِلْمُ الْبَلَايَا وَالْمَنَائِيَا وَأَنْسَابُ الْعَرَبِ وَ مَوْلِدُ الْإِسْلَامِ، وَإِنَّا لَتَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْتَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ حَقِيقَةِ النَّسَابِ، وَإِنَّ شَيْعَتَنَا لَمَكْتُوبُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ...» (کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۴، بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ وَرَثُوا عِلْمَ النَّبِيِّ وَ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ، ح ۱؛ بصائر الدرجات، صفار، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۰، بَابُ فِي الْأَئِمَّةِ ﷺ أَنَّهُمْ وَرَثُوا عِلْمَ أَوْلِي الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّ هُمْ أُمَّتَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ عِنْدَهُمْ عِلْمُ الْبَلَايَا وَالْمَنَائِيَا وَأَنْسَابُ الْعَرَبِ، ح ۳؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲۶، ص ۱۴۶، ح ۲۲).
۳. چنان که پیامبر ﷺ فرمود: «هر که خواهد علم آدم و عبادت نوح و خلقت (ارادت) ابراهیم و ابهت موسی و زهد عیسی را ببیند، به علی بن ابی طالب نظر کند» (کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۵).
۴. مقصود از عالم، همان امام معصوم ﷺ است.
۵. «إِنَّ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُنَّةَ أَلْفِ نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، وَإِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ ﷺ لَمْ يُرْفَعْ، وَ مَا مَاتَ عَالِمٌ فَذَهَبَ عِلْمُهُ؛ وَ الْعِلْمُ يُتَوَارَثُ» (کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۲۲، بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ ﷺ وَرَثَةُ الْعِلْمِ يَرِثُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا الْعِلْمَ، ح ۴؛ بصائر الدرجات، صفار، ج ۱، ص ۱۱۴، بَابُ فِي الْأَئِمَّةِ ﷺ أَنَّهُمْ وَرَثُوا عِلْمَ آدَمَ وَ جَمِيعِ الْعُلَمَاءِ، ح ۲).

۱۲. احاطه بر فهم‌ها

«وَالْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ؛ و او به تمامی فهم‌ها احاطه دارد».

امام عصر علیه السلام بر دیدن‌ها، شنیدن‌ها و همه حواس انسان‌ها مسلط است و به صورت ویژه، بر تمام اخبار شیعیان احاطه کامل دارد؛ چنان‌که آن حضرت فرمود: «إِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ، وَلَا يُعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ؛^۱ ما بر اخبار شما آگاه هستیم، و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست».

بر اساس روایات، امام زمان علیه السلام به صورت ویژه به امور شیعیانش رسیدگی می‌کند و هرگز آنان را فراموش نمی‌کند؛ چنان‌که آن میر مهر می‌فرماید: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاةِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛^۲ ما در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی نکردیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند».

نکته لطیف: کاری که منتظر و مُحب حضرت مهدی علیه السلام را از آن حضرت جدا می‌کند، اعمال و رفتار ناشایست می‌باشد. این حقیقتی است که در بیان هشدار دهنده آن امام موعود تأکید شده است: «فَمَا يَحْسِنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ، وَلَا نُؤَيِّرُهُ مِنْهُمْ؛^۳ هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده است، مگر آن چه که از کارهای ایشان به ما می‌رسد؛ اعمالی که خوشایند ما نیست، و از شیعیان انتظار نداریم».

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج ۲، ص ۹۰۳؛ احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷.

۳. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۹.

۱۳. خبر دهنده از خداوند

«أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بدانید او از جانب خدایش خبر می‌دهد».

برخی روایات تصریح می‌کنند که مخلوقی بزرگتر از جبرئیل و میکائیل که در روایات از آن به «روح» یاد شده است؛ برای رسول خدا و امامان معصوم علیهم‌السلام به صورت دائمی خبر می‌آورند.

با توجه به آیات، روایات، ادعیه و مناجات،^۱ آشکار می‌شود «روح»، حقیقت مستقلی دارد و با فرشتگان الهی^۲ و ارواح خود پیامبران و جانشینان آنان، حتی روح القدس^۳ تفاوت دارد.

بر اساس روایات، معلوم می‌شود یکی از مأموریت‌های «روح»، آگاه کردن و یاری رساندن رسول خدا و امامان معصوم علیهم‌السلام است. برای آگاهی بیشتر، به روایت زیر توجه نمایید:

ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه پرسیدم: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾؛^۴

۱. امام سجاده علیه‌السلام در دعای سوم صحیفه سجاده می‌فرماید: «وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ، وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ» (صحیفه سجاده، ص ۳۸).

۲. محاسن، برقی، ج ۲، ص ۳۱۵؛ کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۷۴، بَابُ الرُّوحِ الَّتِي يُسَدِّدُ اللَّهُ بِهَا الْأَئِمَّةَ علیهم‌السلام، ج ۶؛ بصائر الدرجات، صفار، ج ۱، ص ۴۶۳-۴۶۴، بَابُ فِي الرُّوحِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿يَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ﴾ وَ هِيَ تَكُونُ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الْفَرَقِ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْمَلَائِكَةِ، ج ۳ و ح ۴.

۳. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۳۸۹، بَابُ خَلْقِ أَبْدَانِ الْأَئِمَّةِ علیهم‌السلام وَ أَرْوَاحِهِمْ وَ قُلُوبِهِمْ، ح ۳. برای آشنایی بیشتر با روح و روح القدس، رک: علم امام؛ منابع، قلمرو و ویژگی‌ها، سید علی هاشمی، ص ۱۶۰-۱۹۰.

۴. سوره شوری، آیه ۵۲.

و بدین سان ای پیامبر، روحی را که از عالم امر ما [و حامل قرآن است]، به سوی تو فرستادیم. تو پیش از آن نمی دانستی کتاب آسمانی چیست [و چه معارفی را دربردارد]، و باورها [و کارهای شایسته] را نیز به تفصیل نمی شناختی که کدامند [و به همه آن‌ها ملتزم نبودی].^۱ امام فرمود: «خَلَقَ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْظَمَ مِنْ جِبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ، كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يُخْبِرُهُ وَ يُسَدِّدُهُ، وَ هُوَ مَعَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ»^۲ [روح] آفریده‌ای از مخلوقات خداوند بلند مرتبه است که بزرگتر از جبرائیل و میکائیل می‌باشد، همواره با رسول خدا ﷺ بود، به او خبر می‌رساند و او را به راه درست و حقیقت راهنمایی می‌کرد، و او با امامان پس از ایشان است».

نکته: ظهور جمله «يُخْبِرُهُ» (خبرآوری دائمی) در این است که «روح» همواره در طول زمان‌های شبانه روز، برای پیامبر خدا و امامان عليهم السلام علم جدید می‌آورد؛ در غیر این صورت از علوم موجود و وراثتی استفاده می‌کردند و نیازی به خبرآوری جدید نبود. بنابراین، بر اساس این گروه از احادیث، با خبرآوری دائمی «روح»، علم امام همواره افزایش می‌یابد.

۱۴. محکم کننده آیات خدا

«وَ الْمُسَيِّدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ؛ و او محکم کننده آیات خداوند است».

«تَشْيِيد» به معنای محکم کردن است و عبارت فوق یعنی، کار آیات خداوند را محکم می‌کند.

با قرار دادن این جمله از خطبه غدیر در کنار فرازی از زیارت آل‌یاسین:

۱. برای آگاهی بیشتر درباره معنا و تفسیر این آیه، رک: *الميزان*، علامه طباطبایی، ج ۱۸، ص ۷۷.

۲. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۷۳، بَابُ الرُّوحِ الَّتِي يُسَدِّدُ اللَّهُ بِهَا الْأَئِمَّةَ عليهم السلام، ح ۱.

«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ؛^۱ می توان گفت: امام زمان علیه السلام به عنوان تلاوت کننده کتاب خدا و ترجمه کننده آن، یک یک آیات قرآن را محکم بیان و حقانیتش را به نیکی تفسیر می کند و به همه دستورات الهی جامه عمل می پوشاند.

۱۵. رشید و استوار

«أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّادِدُ؛ بدانید او رشد یافته و استوار است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این جمله، به دو صفت مهم امام عصر علیه السلام تأکید می فرماید: اول: «أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ»؛ یعنی آگاه باشید، حتماً امام زمان علیه السلام رشد یافته و راه هدایتش را پیدا کرده و در صراط مستقیم است.

دوم: «أَلَا إِنَّهُ السَّادِدُ»؛ یعنی آگاه باشید، او در کار خودش محکم و استوار است، کوتاه نمی آید، سُست نیست و تحت تأثیر ملامت کسی قرار نمی گیرد.

نکات

۱. سدید و محکم بودن امام عصر علیه السلام شبیه همان صفتی است که امام باقر علیه السلام درباره آن حضرت فرمود: «وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ؛^۲ او کسی است که ملامت ملامت کننده ای در راه خدا، دستخوش تغییرش نمی کند». این مسأله مهم به خاطر این است که آن حضرت محکم و با صلابت است و در راه انجام دادن وظایف الهی، کوچکترین سستی به خود راه نمی دهد و هرگز تحت تأثیر ملامت کسی قرار نمی گیرد.

۱. المزار الکبیر، ابن مشهدی، ص ۵۶۹.

۲. وَقَعَةُ صَفِين، نصر بن مُزاحم، ص ۱۱۶. این صفت برای امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بیان شده است. (رک: احتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۶۰ و ۱۰۱)

۲. بر اساس روایات،^۱ خداوند متعال، وعده تشکیل حکومت جهانی را به امام عصر علیه السلام داده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ...﴾؛^۲ خداوند به کسانی از شما (مسلمانان) که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در روی زمین جانشین (خود) کند و حکومت بخشد همان‌گونه که کسانی را که پیش از ایشان بودند (مانند حضرت آدم،^۳ داوود^۴ و سلیمان علیهم السلام)^۵ جانشین ساخت.

شاید رسول خدا صلی الله علیه و آله با جمله «أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ»، می‌خواهد تأکید فرماید که حضرت مهدی علیه السلام مسؤولیت مهم و بسیار بزرگی دارد که آن تشکیل حکومت جهانی و تأیید و تثبیت آن است. بنابراین کسی می‌تواند حکومت جهانی تشکیل دهد که رشد یافته و محکم و استوار باشد تا بتواند راهبر و هدایت‌کننده همه جهان باشد.

۱۶. تفویض شده

«أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ؛ آگاه باشید، او کسی است که امور (دین) به او تفویض شده است».

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «این آیه درباره حضرت قائم و اصحاب ایشان نازل شده است» (کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۲۴۰).

۲. سوره نور، آیه ۵۵.

۳. سوره بقره، آیه ۳۰.

۴. سوره ص، آیه ۲۶.

۵. سوره نمل، آیه ۱۶.

«تفویض» در لغت به معنای واگذار کردن امری به دیگری^۱ و حاکم کردن او در آن امر است؛^۲ یعنی وقتی امری به دیگری واگذار شد، خود آن شخص می‌تواند در آن تصرف و سلطنت داشته باشد.

«تفویض» در اصطلاح کلام و حدیث، به معنای واگذاری امر دین و شریعت به پیامبر و امامان علیهم‌السلام است که همان اختیار جعل احکام باشد.^۳

پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این جمله از خطبه غدیر می‌خواهد بفرماید: امام عصر علیه‌السلام که تنها مجری احکام و مسائل اسلام و قرآن است؛ خداوند باید امر دین را به او تفویض کند تا بتواند دین را در گستره زمین نشر دهد.

نکات

۱. در ولایت تشریح امام یا تفویض امر دین به امام، سخن از تغییر وحی الهی یا تغییر سنت حتمی نبوی نیست؛ بلکه امام معصوم در اموری که تا آن زمان حکمی جعل نشده یا محدوده آن قابل تغییر باشد، می‌تواند به تشریح جدیدی اقدام کند.^۴ بنابراین، امام معصوم هیچ‌گاه در موضوعی که تشریح آن تمام شده یا نص خاصی از خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره آن صادر شده است، تصرف نخواهد کرد^۵ و

۱. *معجم مقاییس اللغة*، ابن فارس، ج ۴، ص ۴۶۰؛ *التهایه*، ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۷۹.

۲. *التهایه*، ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۷۹؛ *لسان العزب*، ابن منظور، ج ۷، ص ۲۱۰؛ *تاج العروس*، زبیدی، ج ۱۰، ص ۱۲۷.

۳. *ولایت تشریح*، مرتضی علیزاده، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۴. همان، ص ۱۹۳.

۵. هم‌چنان که در روایات از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: «حَلَالٌ مُّحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ؛ آن‌چه را پیامبر حلال کرده، برای همیشه تا روز قیامت حلال خواهد بود و آن‌چه را پیامبر حرام کرده، برای همیشه تا روز قیامت حرام خواهد بود. غیر از این نیست و حکمی مغایر با حکم او نخواهد آمد» (کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۵۸، بَابُ الْبَدْعِ وَالرَّأْيِ وَالْمَقَائِيسِ، ح ۱۹).

هیچ‌گاه حلال خدا و رسول را حرام و حرام آنان را حلال نخواهد کرد؛ همان‌گونه که رسول خدا ﷺ نیز در حرام‌ها و حلال‌هایی که خداوند با نص خاص جعل کرده، تصرف نمی‌کند. اما اگر در موردی خاص، حکمی تشریح نشده باشد یا درباره آن مورد، نص خاصی نیامده باشد، امام می‌تواند حکمی جدید تشریح کند.^۱

۲. امامان معصوم ﷺ بر اساس روایات معتبر، ولایت بر تشریح دارند؛ اما با توجه به این‌که شرایط برای پذیرش اجتماعی احکام وضع شده از سوی آنان مهیا نبوده است این ولایت را به صورت حداقل اعمال کرده‌اند و اعمال بیش از آن، در زمان ظهور امام عصر ﷺ خواهد بود. روایات بسیاری که بیان می‌دارند در زمان ظهور، امر تازه‌ای آورده می‌شود، ممکن است اشاره به همین مطلب باشد؛ به دو روایت زیر در این مورد توجه نمایید:

روایت اول

ابو خدیجه از امام صادق ﷺ درباره امام قائم ﷺ پرسید، حضرت فرمود: «كُنْتُ قَائِمًا بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ. فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ، جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ؛^۲ همه ما یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید، قیام کننده به دستور خدا هستیم تا این‌که صاحب شمشیر بیاید. هنگامی که صاحب شمشیر آمد، دستوری غیر از آنچه بوده، خواهد آورد» (پدرانش مأمور به تقیه و صبر بودند و او مأمور به جهاد و برانداختن ظلم است).

۱. ولایت تشریح، مرتضی‌علیزاده، ص ۱۹۰.

۲. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۵۳۱، بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ ﷺ كُنُّهُمْ قَائِمُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى هَادُونَ إِلَيْهِ، ح ۲. در روایتی دیگر، امام صادق ﷺ فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ؛ هنگامی که قائم قیام کند امری غیر از آنچه بوده خواهد آورد» (کتاب الغيبة، شیخ طوسی، ص ۴۷۳؛ إنبات الهداة، شیخ حرّ عاملی، ج ۵، ص ۱۳۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۲).



روایت دوم

ابو خدیجه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ فِي بَدْوَ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ؛^۱ هنگامی که قائم قیام کند، امر جدیدی می آورد همان گونه که رسول خدا در ابتدای دعوت به اسلام دعوت به امر جدیدی کرد».

۳. آن چه حضرت مهدی علیه السلام به سوی آن دعوت می کند چیزی جز اسلام ناب و حقیقی و نازل شده بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیست. اما به خاطر دور شدن مردم از این اسلام، در قرن ها و بروز بدعت ها در دین، این اسلام برای آن ها تازگی خواهد داشت؛ بنابراین، امر تازه و جدید که در روایات به آن اشاره شده، ممکن است موارد زیر باشد:

یک. مطابق برخی روایات، بخشی از احکام به جهت نبود شرایط و مقتضیات، در عصر معصومان بیان نشده و تنها علمش نزد اهل بیت علیهم السلام باقی مانده است و در عصر ظهور، آن احکام بیان خواهد شد؛

دو. بخشی از احکام به جهت از بین رفتن کتاب ها و احادیث، تلف شده و به دست ما نرسیده است که قطعاً نزد امام زمان علیه السلام موجود است و در عصر ظهور، آن ها را بیان می کند و به اجرا می گذارد؛

سه. در عصر غیبت، به جهت دوری از امام معصوم، علما و فقها مأمور به گرفتن احکام از ادله ای هستند که برخی از آن ها بر اساس ظنّ و گمان است و در نتیجه احکامی که استخراج می شود احکام ظاهری است نه واقعی (اگر چه در

۱. *اِرشاد*، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۴؛ *بحار الانوار*، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

عصر غیبت، مأمور به عمل کردن به همین احکام ظاهری هستیم)، ولی در عصر ظهور، توسط امام زمان علیه السلام احکام واقعی عرضه می شود؛ چهار. در طول تاریخ اسلام، برخی از احکام بنا به مصالحی کمتر به آن‌ها عمل شده یا اصلاً در جامعه بیان نشده است که به طور حتم این‌گونه احکام در عصر ظهور به اجرا در خواهد آمد.

۱۷. موعود

«أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ بدانید او کسی است که گذشتگان قرون پیش به او بشارت داده اند».

«موعود» یکی از لقب‌های مشهور امام عصر علیه السلام است که تقریباً در همه ادیان آسمانی به آن معروف است. موعود باوری به معنای اعتقاد به یک نجات بخش است که در آخرالزمان برای نجات و رهایی انسان‌ها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد.

این اعتقاد به نجات بخش موعود در همه ادیان و مذاهب و در نزد اقوام و ملل مختلف با آیین‌ها و فرهنگ‌های کاملاً متفاوت، به اشکال و صور گوناگون و متنوعی مطرح شده است؛ اما جملگی تقریباً در یک نکته اتفاق نظر دارند که «نجات بخشی» خواهد آمد و آنان را از یوغ بندگی ستمکاران و حاکمان زورگو رهاکننده، جامعه‌ای پر از عدل و داد به وجود خواهد آورد. اما آن‌چه که در این میان شیعه را متمایز ساخته، این است که در این مذهب «منجی موعود» تنها به عنوان یک آرمان مطرح نیست؛ بلکه او به عنوان تداوم بخش رسالت انبیا، وارث اولیای الهی و در یک کلام «حجت خدا» بر روی زمین نیز مطرح است؛ حجتی که زنده، شاهد و ناظر بر اعمال آدمیان است. بنابراین نقش او در زندگی فردی و اجتماعی

انسانها، تنها به آخرالزمان و زمان ظهور منحصر نمی‌شود و وجود او در لحظه لحظه زندگی ساکنان زمین نقش دارد.^۱

در کتاب‌های مربوط به مذاهب، نام‌ها و القاب مختلفی برای موعود منجی بیان شده است؛ به عنوان نمونه: در مذهب یهود: سرور میکائیلی، عزیر، منحاس، ماشیح؛ در مذهب مسیحیت: مهمید آخر، مسیح، فارقلیط، پسر انسان؛ در مکتب زرتشت: سوشیانس (نجات دهنده بزرگ جهان)؛ در مکتب هندوها: ویشنو، منصور، فرخنده؛ در مکتب بودا: مایتریا، بودای پنجم؛ در صُحُف حضرت ابراهیم علیه السلام: صاحب، در زبور سیزدهم: قائم، در هزار نامه هندیان: لندبطاوا، در کتاب دید براهمه: منصور و...^۲

ویژگی‌هایی که در این کتاب‌ها برای منجی موعود ذکر شده، مشابه وجوهی است که در آیات و روایات شیعه برای امام مهدی علیه السلام، ظهور و حکومت آن حضرت بیان شده است که به یک آیه اشاره می‌نماییم:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۳؛ و حَقّاً که ما در هر کتاب آسمانی پس از لوح محفوظ، و در زبور (داوود) پس از ذکر (تورات موسی) و در قرآن پس از آن کتاب‌ها، نوشتیم و مقرّر کردیم که همانا (ملکیت و حاکمیت و استفاده تام از برکات) این زمین را بندگان صالح و شایسته من به ارث خواهند برد (از دست غاصبان و ائمه جور به امامان عدل و خلفای آنان منتقل خواهد شد).^۴

۱. انتظار، بایدها و نبایدها، شفیعی سروستانی، ص ۵۴-۵۵.

۲. مهدویت (پیش از ظهور)، رحیم کارگر، ص ۲۴-۲۵.

۳. سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

۴. در تفسیر قمی نقل شده که این آیه درباره قائم آل محمد علیهم السلام و یاران او می‌باشد (تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۷۷).

۱۸. آخرین حجت

«أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ؛ بدانید، او حجت باقی است و هیچ حجتی پس از او نیست (و او آخرین حجت پروردگار است)».

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «... هنگامی که قائم ما ظهور کند، به خانه کعبه تکیه زند و سیصد و سیزده مرد به گرد او اجتماع کنند و اولین سخن او این آیه قرآن است: ﴿بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱، سپس می فرماید: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ؛ منم ذخیره خداوند در زمین و منم خلیفه خداوند و حجت او بر شما» و هر درود فرستنده ای به او چنین سلام گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».^۲

یکی از مقاماتی که برای امامان معصوم علیهم السلام شمرده شده، «حجت بودن» آنان است. علما و دانشمندان اسلامی بر این باورند که بشر برای پیمودن مسیر هدایت و رسیدن به سعادت ابدی، همیشه نیازمند به حجتی از جانب خداوند است و خداوند متعال نیز برای این که به این نیاز بشر جامه عمل بپوشاند و از بهانه جویی ها و عذر آوردن بشر جلوگیری کرده باشد، این مهم را با نزول کتاب های آسمانی و برگزیدن پیامبران و جانشینان آنان برآورده کرده و حجت را برای هر امتی تمام کرده است. این واقعیت از آیات و روایات به خوبی استفاده می شود.

«حجت» در اصطلاح این گونه تعریف شده است: «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ

۱. آنچه خداوند (پس از ادای حق غیر) برایتان باقی می گذارد، برای شما بهتر است اگر ایمان دارید (سوره هود، آیه ۸۶).

۲. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۳۱.

حُجَّةٍ^۱ وَأَنَّ وُجُودَهُ لَطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخَرٌ؛^۲ به راستی زمین هیچ گاه از حجت خالی نیست و وجود آن (حجت) لطف است و تصرف آن لطفی دیگر».

خواجه نصیرالدین طوسی پس از این که وجود امام و حجت را لطف الهی می داند، می گوید: «امامیه بر امامت و حجت بودن [امیرالمؤمنین] علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق دارند»؛ پس از آن حضرت، یازده امام دیگر از حجت های الهی را نام برده می گوید: «به دلیل همین اعتقاد به دوازده پیشوا و حجت برای فرقه امامیه، لقب «اثنا عشریه» داده شده است».^۳

ملاصدرا نیز با استفاده از آن دسته از آیات قرآن که پیامبران را به عنوان حجت معرفی کرده است، می گوید: از این آیات استفاده می شود که هیچ دورانی زمین از حجت خدا خالی نبوده و این امر یک سنت همیشگی خداوند است، اما چون نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله خاتمه یافت، ولایت که باطن نبوت است به عنوان حجت الهی تا روز قیامت باقی است.^۴

در روایات، پیامبران الهی، امامان معصوم علیهم السلام، قرآن و عقل، حجت خداوند متعال بر خلق معرفی شده اند. در روایات زیر فقط مورد اول (حجت بودن امامان معصوم علیهم السلام) مورد بررسی قرار می گیرد:

روایت اول

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حجت بودن امامان علیهم السلام می فرماید: «لَا تَخْلُوْا الْأَرْضَ

۱. رک: کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۱۷۹، بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوْ مِنْ حُجَّةٍ، ح ۹.

۲. قواعد العقائد، خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۱۲۰.

۳. همان، ص ۱۲۲.

۴. تفسیر القرآن الکریم، ملا صدرا، ج ۶، ص ۲۹۸؛ به نقل بازخوانی تحولات اعتقادی و تاریخی

امامت و واژگان مرتبط، حیدر مظفری، ص ۳۵۳.

مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجُّ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ...^۱ زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست که برای خدا با برهان روشن قیام کند، یا آشکار و شناخته شده، یا بیمناک و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود، و نشانه‌هایشان از میان نرود...».

روایت دوم

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که دربارهٔ ضرورت وجود حجت الهی در میان مخلوقات فرمود: «وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ أَرْضًا مُنْذُ قَبْضِ آدَمَ إِلَّا وَ فِيهَا إِمَامٌ يَهْتَدِي بِهِ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَلَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ»^۲ به خدا سوگند، از روزی که آدم قبض روح شد، خداوند زمینی را رها نکرده جز آنکه در آن امام و پیشوای هدایتگری به سوی خدا بوده و او حجت خدا بر بندگانش بوده است، هیچ گاه زمین بدون امام که حجت خدا بر بندگانش است، باقی نمی‌ماند».

روایت سوم

امام صادق علیه السلام دربارهٔ وجود حجت در تمام زمانها می‌فرماید: «إِنَّ آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامُ لِنَلَّا يَحْتَجُّ أَحَدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَيْهِ»^۳ آخرین کسی که از دنیا می‌رود امام است، تا کسی به خداوند نگوید که او را بدون حجت واگذاشته بود».

۱. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، ص ۱۷۰-۱۷۱؛ نهج البلاغه، سید رضی، حکمت ۱۴۷؛

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۳۴۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲۳، ص ۴۶.

۲. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۷۹، بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ، ح ۸.

۳. همان، ص ۱۸۰، بَابُ أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا رَجُلَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ، ح ۳.



روایت چهارم

امام رضا علیه السلام می فرماید: «وَأَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوْا مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ فِي كُلِّ عَصْرٍ وَ أَوَانٍ وَأَنَّهُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَأَيُّمَةُ الْهُدَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا؛^۱ همانا زمین هیچ گاه از حجت خدا بر خلق در تمام دوره و زمانها خالی نمی ماند و آن (حجت خدا) ریسمان محکم و پیشوایان هدایت و حجت بر اهل دنیا هستند».

سؤال: اگر پس از آن حضرت، حجتی نیست «وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ»؛ مسأله

رجعت حضرت عیسی و امامان علیهم السلام چگونه توجیه پذیر است؟

در پاسخ می گوئیم: شکی نیست که مسأله «رجعت»،^۲ بر اساس روایات، زیارات،^۳ ادعیه و مناجات، جزء ضروریات اعتقادات شیعه است؛ اما تعبیر «وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ»، ناظر به عنوان حجت بودن امام و امامت و مسؤولیت ایشان است و نظری به رجعت دیگر امامان ندارد؛ زیرا که آنان حجت های قبلی هستند که دوباره رجعت خواهند کرد.

۱۹. حق و نور مطلق

«وَلَا حَقٌّ مَعَهُ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورٌ إِلَّا عِنْدَهُ؛ هیچ حقی نیست مگر همراه اوست

و هیچ نوری نیست مگر در نزد اوست».

در عبارت فوق بر سر کلمات «حق» و «نور»، «لا» نفی جنس آمده است و

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲۳، ص ۸۴.

۲. برای آشنایی بیشتر با رجعت، رک: کتاب رجعت، علامه مجلسی؛ بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، خدامراد سلیمان.

۳. مانند زیارت جامعه کبیره؛ زیارت آل یاسین.

می‌گوید که حق همیشه همراه آن حضرت و نور حقیقی در نزد اوست و با وجود آن امام موعود، نه حقی و نه نور حقیقی دیگری وجود دارد.

«حق» کلمه‌ای است که جمع ندارد و این عبارت نمی‌خواهد بگوید که چندین حق وجود دارد و حق اصلی، همراه امام زمان علیه السلام است؛ بلکه می‌فرماید که هر کسی که ادعای حق بودن داشته باشد، ادعایش باطل است؛ زیرا که حق، یکی است و آن هم همراه امام زمان علیه السلام است.

در روایتی، ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام از این کلام خداوند پرسیدم: ﴿حَقِّي يَتَّبِعَن لَّهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾^۱، حضرت فرمود: «خُرُوجُ الْقَائِمِ هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، يَرَاهُ الْخَلْقُ لَابَدًا مِنْهُ»^۲ خروج قائم، آن همان حق است در نزد خداوند بلند مرتبه که مخلوقات آن را خواهند دید و هیچ شکی هم در آن نخواهد بود».

درباره واژه «نور» در جمله «وَأَلَّا نُورًا إِلَّا عِنْدَهُ»، چند نکته بیان می‌کنیم:

۱. واژه «نور» در قرآن نیز به کار رفته است؛ به عنوان مثال در آیه نور می‌خوانیم: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۳؛ خداوند نور آسمان‌ها و زمین است (روشنی بخش آن‌ها، هدایت‌گر اهل آن‌ها و تدبیرکننده امور آن‌هاست).
- امام رضا علیه السلام درباره این آیه فرمود: «خداوند هدایت‌کننده اهل آسمان‌ها و اهل زمین است»^۴.

۱. تا بر آنان روشن شود که او حق است (سوره فُصِّلَتْ، آیه ۵۳).

۲. کافی، شیخ کلینی، ج ۳۸۱، ح ۵۷۵.

۳. سوره نور، آیه ۳۵.

۴. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۱۱۵، بَابُ مَعَانِي الْأَسْمَاءِ وَاسْتِقْفَائِهَا، ح ۴.

۲. بر اساس آیه هشتم از سوره تغابن و روایت ذیل آن،^۱ مقصود از «نور» در این آیه، امامان معصوم علیهم السلام هستند.

۳. با توجه به دو نکته قبل می‌توان گفت: چون امام زمان علیه السلام از جانب پروردگار به حق آمده و خودش نور است و نور نزد ایشان می‌باشد و فرمان و اطاعت او فرمان و اطاعت خداوند است؛^۲ از این رو، امام عصر علیه السلام هم به اذن پروردگار، هدایت کننده اهل آسمان‌ها و اهل زمین است.

۲۰. غالب و منصور

«الَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنصُورَ عَلَيْهِ؛ آگاه باشید که کسی بر او غلبه نمی‌کند و هیچ کس علیه او یاری نمی‌شود».

یکی دیگر از القاب امام عصر علیه السلام، لقب «منصور» به معنای «یاری شده» است. خداوند، حضرت مهدی علیه السلام را که از فرزندان امام حسین علیه السلام و وارث خون آن شهید مظلوم است، خون خواه حضرتش قرار داده و به وی قدرت و سلطنت عطا فرموده، و او را «منصور» نام نهاده است تا هنگامی که امر ظهور از طرف خدا امضا شود، با قوت و قدرت و تأیید خداوند قیام کند و همه جباران و ستمگران و ستم‌پیشگان را با شمشیر عدالت به هلاکت برساند. در آیات، روایات، ادعیه و زیارات به لقب «منصور» اشاره شده است:

روایت اول

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا﴾ فرمود: «[منظور]

۱. رک: کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۱۹۴، بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ علیهم السلام نُورُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ح (۱).

۲. بر اساس آیه اولی الامر (سوره نساء، آیه ۵۹).

حسین است، ﴿فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾؛^۱ خداوند مهدی را «منصور» نامیده، چنان‌که احمد و محمد را محمود و عیسی را مسیح خوانده است.^۲

همچنین در روایتی دیگر، درباره این آیه فرمود: «هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، قُبِلَ مَظْلُومًا وَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُهُ وَ الْقَائِمُ مِنَّا إِذَا قَامَ طَلَبَ بِنَارِ الْحُسَيْنِ؛ او حسین بن علی است که مظلومانه شهید شد و ما (امامان) خون‌خواه آن حضرت هستیم و هنگامی که قائم ما (اهل بیت) قیام کند، خون حسین را طلب خواهد کرد».^۳

نکته: مظلومیت با ظلم‌پذیری فرق دارد. از نظر اسلام، ظلم‌پذیری با وجود توان دفاع و مقابله، امری ناپسند است؛ هم‌چنان‌که در آیه ۹۷ از سوره نساء، افرادی را که قادر به مهاجرت بودند، ولی از آن امتناع کردند و سلطه ظالمانه قریش را بر خود پذیرفتند، مذمت کرده است.

مظلومیت امام حسین علیه السلام، به معنای ظلم‌پذیر بودن ایشان نیست؛ زیرا بدیهی است که از امام حسین علیه السلام و یاران ایشان در همه صحنه‌های کربلا جز شهادت، صلابت و عظمت، چیز دیگری دیده نشد؛ ولی با وجود این شهادت‌ها و رشادت‌ها، به علت قدرت طرف مقابل، مظلوم واقع شدند و با اسفناک‌ترین وضع

۱. و کسی که مظلوم کشته شود ما حتماً برای ولی او تسلطی قرار داده‌ایم (که می‌تواند قصاص کند یا دیه بگیرد یا عفو کند)، پس او نباید در کشتن اسراف کند (شکنجه و مثله کند یا بیش از یک نفر را بکشد)؛ زیرا که او (به وسیله تشریح این حکم) یاری شده است (و شخص قصاص شده نیز در مقدار بیش از محکومیت، مورد یاری ما قرار دارد) (سوره اسراء، آیه ۳۳).

۲. *إثبات الهداة بالأنصوص والمعجزات*، شیخ حرّ عاملی، ج ۵، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ *بحار الانوار*، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۳۰-۳۱.

۳. *التفسیر، عیاشی*، ج ۲، ص ۲۹۰؛ *إثبات الهداة بالأنصوص والمعجزات*، شیخ حرّ عاملی، ج ۵، ص ۱۷۶.

به شهادت رساندند و سرهای مبارک ایشان از تن جدا کردند و بدن‌های مطهرشان بی‌کفن بر روی خاک‌ها رها کردند و... .

روایت دوم

امام باقر و امام صادق علیهما السلام در زیارت عاشورا می‌فرمایند: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ نَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛^۱ پس از خداوندی که مقام تو را گرامی داشته و مرا به واسطه تو عزت و کرامت بخشیده است، درخواست می‌کنم که خون خواهی تو را با امامی پیروزمند و یاری شده از خاندان محمد (درود خدا بر او و خاندانش باد) به من روزی کند».

روایت سوم

امام صادق علیه السلام در دعای ندبه می‌فرماید: «أَيُّنَ الْمَنْصُورُ عَلَيَّ مَنِ اعْتَدَى عَلَيَّ وَ أَفْتَرَى؛^۲ کجاست آن پیروز (و یاری شده) بر هر که با او دشمنی کرده و دروغ بسته است؟».

سید ابن طاووس نیز در زیارت حضرت مهدی علیه السلام این گونه سلام داده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَنْصُورُ عَلَيَّ مَنِ اعْتَدَى؛^۳ سلام بر تو ای پیروز (و یاری شده) بر کسی که مورد ظلم و دشمنی واقع شده است».

نکات

۱. معنای «وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ» این است که در زمان ظهور حضرت، هیچ کس

۱. مصابیح المتهدج، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۷۷۴.

۲. المزار الکبیر، ابن مشهدی، ص ۵۷۹؛ اقبال الأعمال، سید ابن طاووس، ج ۱، ص ۲۹۷.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۹۹، ص ۸۶.

نمی‌تواند با هم متحد شود و علیه ایشان بشورد؛ زیرا که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هیچ کس علیه او نیز یاری نمی‌شود». از این رو، این جمله، تأکید جمله «لَا غَالِبَ لَهُ» خواهد بود.

۲. حضرت مهدی علیه السلام با ایجاد رُعب و وحشت (در دل دشمنان) یاری می‌شود و با نصرت و یاری (از جانب پروردگار) قدرت می‌یابد.

۳. در بسیاری از روایات تأکید و تصریح شده است، وقتی آن حضرت ظهور می‌کند، آن چنان با صلابت و با هیبت است که در دل مردم ایجاد رُعب و وحشت می‌کند که باعث می‌شود افراد ظالم و لجوج در مقابل امام تسلیم شوند و نیاز به جنگ و خون‌ریزی نباشد. به عنوان نمونه، محمد بن مسلم ثقفی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «الْقَائِمُ مِمَّا مَنُصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، يَتَلَعُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ، وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى السَّيِّئِينَ كُلِّهِمْ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ...»^۱ قائم ما با رُعب و ترس یاری شده و به نصرت و یاری (خداوند) تأیید شده است، زمین برای او درنوردیده شود و گنج‌های خود را ظاهر سازد، و سلطنتش شرق و غرب عالم را فرا گیرد و خداوند بلند مرتبه به واسطه او دینش را بر همه ادیان چیره گرداند، گرچه مشرکان را ناخوش آید و در زمین ویرانه‌ای نماند جز آن که آباد شود.

۲۱. ولی خدا

«إِلَّا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛ آگاه باشید که او ولی خدا در زمین است». «وَلِيٌّ» بر وزن «فَعِيلٌ»، صفت مشبّهه از ماده «وَلَى، يَلِي، وَلايَةٌ» به معنای

۱. کمال‌الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۳۱.

سرپرست و عهده دار امر است.^۱ صفت مشبهه، دلالت بر وجود ثبات و دوام یک صفت در موصوف آن دارد.

تحقیق و بررسی موارد استعمال کلمه «وَلِيٌّ» در آیات قرآن هم مؤید این مطلب است که معنای حقیقی و شایع در این کلمه، همان «صاحب اختیار و سرپرست» است؛ به عنوان مثال خداوند می فرماید: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا...﴾^۲؛ و کسی که به ستم کشته شود، همانا برای سرپرست (وارث و خونخواه) او قدرت و تسلطی (اختیار اینکه قصاص کند یا دیه بگیرد) قرار داده ایم.

از این جمله معلوم می شود که امام عصر علیه السلام از جانب خدا در زمین ولایت و حق تصرف دارد، اما چون این امر مطلق بیان شده و مقید به بعد از ظهور نشده، پس آن حضرت در زمان غیبت هم، ولی و سرپرست از جانب خدا در زمین است.

۲۲. حاکم الهی

«وَحَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ؛ و او حاکم خدا در میان بندگان است».

«حَكَمَ»؛ یعنی کسی که حُکَم می کند و در میان بندگان خدا داوری می کند. بر اساس جمله «إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»، امام زمان علیه السلام از طرف خداوند در زمین، ولایت و حق تصرف دارد؛ اما حُکَمیت و داوری ایشان فراتر از زمین، بلکه در تمام آفرینش است و این بدان معناست که خداوند متعال آن حضرت را برای فرشتگان، انسان ها، حیوانات، نباتات، جمادات و هر موجودی که دارای هستی و کمالات هستی است، حُجَّت و حُکَم قرار داده است.

۱. لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۵، ص ۴۰۷.

۲. سوره اسراء، آیه ۳۳.

بنابراین از جمله «و حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ»، ولایت تکوینی برای حضرت مهدی علیه السلام برداشت می‌شود؛ «ولایت تکوینی»، ازبالاترین و مهم‌ترین اقسام ولایت معصومان است و در اصطلاح، به معنای مسلط شدن بر جهان هستی و سرپرستی موجودات جهان و بر عهده گرفتن تدبیر امور آنان و آزادی عمل در هستی است؛ به گونه‌ای که صاحب آن به اذن خداوند متعال، بتواند با اراده و قدرت معنوی خود، چیزی یا موجودی را دگرگون سازد یا آن را به حرکت یا سکون وادارد؛ به عنوان مثال جماد به نبات یا حیوان تبدیل شود و حیوانی به حیوانی دیگر مبدل گردد یا کوهی متلاشی یا جابه‌جا شود.^۱

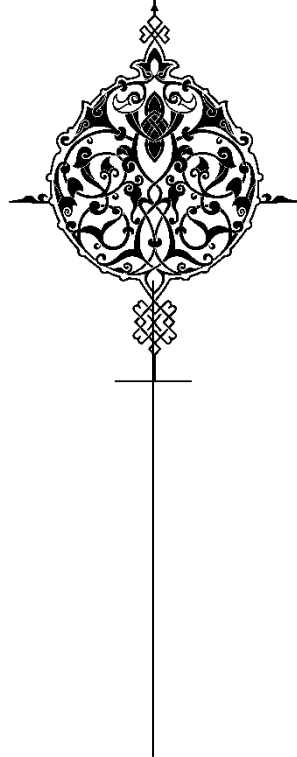
۲۳. امین خدا

«وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِ؛ و او امانت‌دار خداوند است در آشکار و پنهان». «آشکار»؛ یعنی عالم ماده و «پنهان»؛ یعنی عالم معنا. بنابراین خداوند، امام عصر علیه السلام را هم در عالم ماده و هم در عالم معنا، امین و امانت‌دار خود قرار داده است و کلید خزائن آن دو عالم را در اختیار و اراده آن حضرت می‌گذارد. در برخی از روایات نیز تصریح شده است که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند، خداوند تمام گنج‌های زمین را برای او آشکار می‌نماید؛ چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «و يُظْهِرُ اللَّهُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا».^۲

۱. ولایت تشریح، مرتضی‌علیزاده، ص ۳۶.

۲. إعلام‌الوری، طبرسی، ص ۴۴۰؛ کشف‌العقده، اربلی، ج ۲، ص ۵۲۷.

فصل دوم



تنها وارث غدیر

قرآن يك سلسله بحث‌های کلی و اصولی در مورد تحقق حکومت عدل جهانی دارد که با توجه به آن مباحث کلی قرآنی، موضوع حکومت جهانی عدل و داد توسط تنها وارث غدیر روشن و مسلم و آشکار می‌شود و ما برای اثبات این امر، به ذکر یک آیه بسنده می‌کنیم:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ، وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ، وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا، يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا، وَ مَن كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْقَاسِيُونَ﴾؛ خداوند به کسانی از شما (مسلمانان) که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در روی زمین جانشین (خود) کند و حکومت بخشد همان‌گونه که کسانی

را که پیش از ایشان بودند (مانند حضرت آدم،^۱ داوود^۲ و سلیمان^۳) جانشین ساخت، و حتماً آن دینی را که برای آنان پسندیده است (دین اسلام) برایشان مستقر و استوار سازد، و بی تردید حال ایشان را پس از بیم و ترس به امن و ایمنی تبدیل کند به صورتی که تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند و هر که پس از این (نعمت بزرگ) کفران ورزد، چنین کسانی به حقیقت نافرمانند.

نکات

۱. با توجه به جمله ﴿وَعَدَ اللَّهُ﴾، خداوند وعده داده است و وعده الهی تخلف ناپذیر است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ﴾.^۴
۲. خداوند در این آیه، سه تا وعده جهانی داده است: اول، حکومت جهانی: ﴿لَيْسَتْ خُلِفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾؛ دوم، دین جهانی: ﴿لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾؛ سوم، امنیت جهانی: ﴿لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾.
۳. بر اساس روایات، خداوند متعال، وعده تشکیل حکومت جهانی را به امام عصر^۵ داده است: چنان که امام صادق^۶ فرمود: «این آیه درباره حضرت قائم و اصحاب ایشان نازل شده است».^۷
۴. با توجه به آیه فوق، مقصود از این دین، باید دینی باشد که مورد رضایت پروردگار باشد: ﴿لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾. بر اساس آیه اکمال، دین مورد رضایت پروردگار، اسلام همراه با ولایت است که در روز غدیر به آن

۱. سوره بقره، آیه ۳۰.

۲. سوره ص، آیه ۲۶.

۳. سوره نمل، آیه ۱۶.

۴. سوره آل عمران، آیه ۹.

۵. کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۰.

تأکید شده است: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ، وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي، وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾؛^۱ امروز دین شما را برایتان کامل، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی (استوار و پایدار) پذیرفتم.

۵. آیا تا کنون، اسلام روز غدیر که دین مورد رضایت پروردگار است، جهانی شده است؟ متأسفانه جواب منفی است؛ چرا که هفتاد روز پس از واقعه غدیر، عده‌ای از اصحاب در سقیفه جمع شدند و با انتخاب خلیفه، مسیر جهانی غدیر را به انحراف کشیدند و با خالق و مبلغ غدیر مخالفت کردند و با نقشه‌های شیطانی خود نگذاشتند خلافت و وصایت، به امیر غدیر برسد. اما خداوند وعده این دین جهانی را به امام زمان علیه السلام به عنوان تنها وارث غدیر داده و ضمانت فرموده است؛ چنان که در زیارت آل یاسین،^۲ می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي صَمَوْتُهُ»؛^۳ سلام بر تو ای وعده خدا (به حکومت الهیه تو بر جهان) که آن وعده را ضمانت کرده (که تو زمین را پس از ظلم و جور، پُر از عدل و داد کنی).

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «... این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد، هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله مبعوث به رسالت شده تاکنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده است. ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود؛ چون روایات متواتری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن حضرت وارد شده، از تشکیل چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد...»^۴.

۱. سوره مائده، آیه ۳.

۲. زیارت آل یاسین، تلقین یک دور اعتقادات شیعه است که عبارتند از: مهدویت، توحید، نبوت، امامت، رجعت، معاد و... .

۳. المزار الکبیر، ابن مشهدی، ص ۵۶۹.

۴. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۵، ص ۱۵۱-۱۵۲.

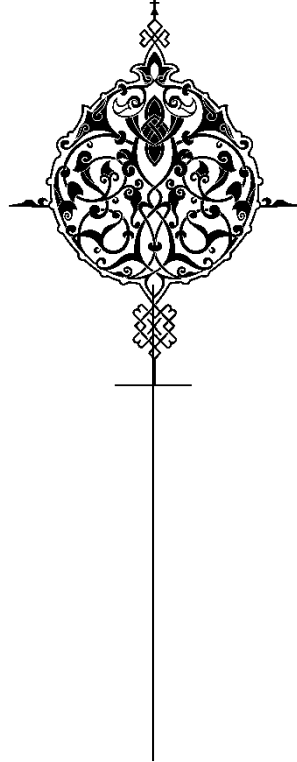


۶. شیعه اثناعشری به عنوان دین مورد رضایت پروردگار باید جهانی شود. مهم‌ترین اصل در مکتب تشیع، موضوع امامت است؛ چنان‌که امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ التَّامِي؛^۱ حتماً امامت، اساس و ریشه اسلام پویاست».

نتیجه: کسی که هوای سربازی امام عصر علیه السلام در سر می‌پروراند: اولاً، باید در موضوع امامت به صورت جدی مطالعه و تحقیق کند. ثانیاً، مردم را با این اصل بسیار مهم شیعه آشنا کند و آنان را از جهل نسبت به امام و امامت نجات دهد.

۱. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۰۰، باب نادر جامع فی فضل الإمام و صفاته، ح ۱.

فصل سوم



نصرت و یاری وارث غدیر

مقدمه

آمادگی دائمی برای یاری وارث غدیر

از مهم ترین وظایف منتظران در دوران غیبت، آمادگی دائمی و راستین برای یاری امام عصر علیه السلام است. چنان که در روایتی ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر يك از شما باید برای خروج قائم آماده کند هر چند يك تیر، که خداوند متعال هر گاه بداند که او چنین نیتی دارد، امیدوارم که در عمر او تأخیر اندازد تا آن که قائم را درک کند، و از یاران و یاوران او باشد»^۱.

برخی از آیات نیز بر لزوم آمادگی دائمی برای یاری امام زمان علیه السلام گواهی می دهند. خداوند متعال خطاب به مؤمنان می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

۱. «لِيَعِدَّنَّ أَحَدَكُمْ لِيُخْرَجَ الْقَائِمُ وَ لَوْ سَهْمًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ، رَجُوتُ لِأَنَّ نُبُوءَ فِي عُمْرِهِمَا حَتَّى يُدْرِكَهُ فَيَكُونُ مِنْ أَعْوَابِهِ وَ أَنْصَارِهِ» (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۳۲۰، ح ۱۰).

اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبایی کنید و [در برابر دشمن] با هم پایداری ورزید و آماده کارزار با دشمنان باشید (یا: مرزبانی کنید) و از خدا پروا کنید، شاید رستگار شوید.^۲

این آیه یکی از آیات مهدوی است که امامان معصوم علیهم‌السلام در تفسیر آن بیاناتی فرموده‌اند؛ در این جا به یک روایت اشاره می‌نماییم:

بُرید بن معاویه عَجَلی در باره این فرمایش خدای بلند مرتبه که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...﴾ از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «بر انجام واجبات الهی صبر کنید، و در برابر دشمنان، با یکدیگر پایداری کنید، و برای یاری پیشوای منتظر، همواره آمادگی خود را حفظ کنید».^۳

نکات

۱. «رَابِطُوا» و «مُرَابِطَهُ» از واژه «رَبَطَ» است که در اصل به معنای پیوند زدن، بستن^۴

۱. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۲. این آیه، صبر در برابر انواع حوادث و مصائب را توصیه می‌کند در مرحله اول در برابر ناگواری‌های شخصی و هوس‌ها صبر کنید: ﴿اصْبِرُوا﴾؛ در مرحله دوم در برابر فشارهای کفار، مقاومت بیشتر کنید: ﴿صَابِرُوا﴾؛ در مرحله سوم در حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، حفظ مرزهای اعتقادی و فکری، از طریق مباحثات علمی و حفظ مرز دل‌ها، از هجوم وسوسه‌ها بکوشید: ﴿رَابِطُوا﴾ (تفسیر نور، محسن قرآنی، ج ۲، ص ۲۳۳).

۳. عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ علیه‌السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ - ﴿اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾ فَقَالَ: «اصْبِرُوا عَلَى آدَاءِ الْفَرَاغِصِ، وَصَابِرُوا عَدُوَّكُمْ، وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَرَ» (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۹، ح ۱۳).

۴. قاموس قرآن، علی اکبر قرشی، ج ۴، ص ۴۷.

و محکم کردن^۱ است و در موارد گوناگون که مورد استفاده قرار می‌گیرد، در معانی دیگری به کار برده می‌شود؛ به عنوان مثال: ملازمت، مواظبت،^۲ مداومت و پیوستگی،^۳ مراقبت،^۴ آمادگی برای مقابله با دشمن که خود نوعی جهاد است.^۵ قابل توجه این که بارزترین و کامل‌ترین مصداقِ مِرابطه، ارتباط با اولیای دین و امامانِ معصوم به ویژه امام زمان علیه السلام است.

۲. صاحب کتاب *مِکیالُ المَکَارِمِ* می‌نویسد: «معنای دوم مِرابطه آن است که مؤمن منتظر با امام زمانش مِرابطه داشته باشد، و تحقق آن به این است که خودش را به ریسمان ولایتش بیاویزد، و به پیروی و یاریش ملتزم باشد، و این قسم از مِرابطه بر تمام افراد، واجبِ عینی بوده و نیابت بردار نیست، و آن رکنی از ارکانِ ایمان است، و خدا عملی را بدون آن قبول نمی‌کند».^۶

۳. برای وجوب به دست آوردن آمادگی برای یاری کردن امام عصر علیه السلام سه دلیل بیان شده است که عبارتند از:

اول، بر اساس برخی از روایات، ظهورِ امام زمان علیه السلام ناگهانی است؛ چنان که امام عصر علیه السلام فرمود: «فَإِنَّ أُمَّرْنَا بَعْتَةٌ فُجَاءَةٌ»^۷ پس امر (ظهور) ما ناگهانی خواهد بود. با توجه به این روایت، شخصی که منتظرِ امام عصر علیه السلام است باید هر لحظه آماده ظهور آن حضرت باشد.

۱. *مُفْرَدَات*، راغب اصفهانی، ص ۳۳۸؛ *لسانُ العَرَب*، ابن منظور، ج ۷، ص ۳۰۲.
۲. *مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ*، طریحی، ج ۴، ص ۲۴۸.
۳. *کِتَابُ الْعَيْنِ*، خلیل بن احمد فراهیدی، ج ۷، ص ۴۲۴.
۴. *مُفْرَدَات*، راغب اصفهانی، ص ۳۳۸.
۵. *کِتَابُ الْعَيْنِ*، خلیل بن احمد فراهیدی، ج ۷، ص ۴۲۴.
۶. *مِکیالُ المَکَارِمِ*، آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۸۶-۴۸۷.
۷. *اِحْتِجَاج*، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۸.

دوم، آن چنان که در بعضی از روایات آمده است، حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، طلب یاری می‌کند؛ جابر بن یزید جعفی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: (قائم) پشت خود را به خانه خدا تکیه می‌دهد و بدان پناه می‌جوید و با صدای بلند می‌فرماید: «ای مردم ما از خدا یاری می‌طلبیم، چه کسی از مردم (دعوت) ما را پاسخ می‌گوید؟... و به حق خدا، و حق رسول صلی الله علیه و آله و حق خودم که مرا بر شما حق خویشاوندی با رسول خدا است، از شما می‌خواهم که ما را یاری کنید، و از ما باز دارید آن کس را که به ما ستم می‌کند که ما مورد وحشت و ستم قرار گرفتیم، و از شهرها و فرزندانمان رانده شدیم، و بر ما ستم شد، و از حَقمان کنار زده شدیم، و آنان که بر باطل بودند بر ما نسبت ناروا بستند؛ پس خدا را خدا را (به یاد آرید) در حق ما، ما را خوار نسازید، و ما را یاری کنید تا خدای تعالی شما را یاری فرماید».^۱

سوم، پاسخ ندادن به ندای یاری طلبی امام زمان علیه السلام، موجب شقاوت و بدبختی است.^۲

نصرت و یاری وارث غدیر

بر اساس روایات، شیوه‌های مختلف یاری کردن امام عصر علیه السلام را می‌توان این گونه تقسیم کرد: شیوه اول: یاری کردن با قلب؛ شیوه دوم: یاری کردن با زبان؛ شیوه سوم: یاری کردن با عمل.

۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ، فَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ؟ ... وَ أَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ، وَ حَقِّ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله وَ بِحَقِّي، فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَىٰ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، إِلَّا أَعْتَمُونَا، وَ مَنَعْتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا، فَقَدْ أَخْفَنَّا وَ ظَلَمْنَا، وَ طَرَدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَانِنَا، وَ بُعِيَ عَلَيْنَا وَ دُفِعْنَا عَنْ حَقِّنَا، وَ افْتَرَىٰ أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا، فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا، لَا تَحْذُلُونَا وَ انْصُرُونَا، يُضِرُّكُمْ اللَّهُ تَعَالَىٰ (کتاب النبیة، نعمانی، ص ۲۸۱، ح ۶۷).

۲. حس حضور، حسن ملایی، ص ۱۴۶-۱۴۷.

شیوه اول: یاری کردن وارث غدیر با قلب

مهم‌ترین عمل قلب، معرفت است؛ برای یاری کردن امام عصر علیه السلام با قلب، باید در جهت رسیدن به معرفت بیشتر ایشان، کوشش کرد. هر مقدار یاری کننده امام در مسیر دین شناسی، قدم‌های صحیح بیشتر و خالص‌تر بردارد، به همان اندازه به امام شناسی که ثمره و نتیجه دین شناسی است، عمیق‌تر و کامل‌تر می‌رسد. از این رو، یکی از وظایف یاری کنندگان امام زمان علیه السلام این است که شناخت خود از دین را عمیق‌تر، دقیق‌تر و کامل‌تر کنند.

در روایت آمده است که یاوران امام عصر علیه السلام در زمان ظهور، دین را به خوبی می‌شناسند و اهل بصیرت در دین هستند. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف یاران اندک امام زمان علیه السلام در عصر غیبت می‌فرماید: «تُجَلَّى بِالتَّزْوِيلِ أَبْصَارُهُمْ، وَ يُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ، وَ يُغْبَقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ»^۱ دیده‌هاشان با قرآن روشنایی گیرد، و در گوش‌هاشان تفسیر قرآن طنین افکند، و در صبحگاهان و شامگاهان جام‌های حکمت سر می‌کشند».

نکات

۱. یاوران امام عصر علیه السلام با قرآن انس دارند و به وسیله آن، زنگارهای قلب خود را می‌زدایند؛ تا جایی که چشم دل آن‌ها با بصیرتی که پیدا می‌کنند، نورانی می‌شود. تنها به خواندن قرآن بسنده نمی‌کنند، بلکه معارف آن در عمق جان‌شان رسوخ می‌کند.

۲. شیعه امام شناس برای یاری کردن امام خویش با قلب، باید دو کار

انجام دهد:

۱. نهج البلاغه، سید رضی، خطبه ۱۵۰، ص ۲۰۸.

اَوَّل، قلب را حریم خدا قرار دهد، و در حرم خدا غیر خدا را ساکن نکند که در قرآن به چنین قلبی، «قلب سلیم» گفته می‌شود. حضرت ابراهیم علیه السلام که خود دارای «قلب سلیم» است،^۱ در وصف روز قیامت و نحوه ورود انسان می‌فرماید: ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾؛^۲ روزی که مال و پسران سودی نمی‌بخشند، مگر کسی که با قلبی سالم (از عقاید و اخلاق فاسده) به نزد خداوند بیاید.

سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه پرسیدم؟ امام فرمود: «الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ، وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ»؛^۳ قلب سلیم برای کسی است که خدایش را در حالی ملاقات کند که در قلب او هیچ کس جز خدا نباشد».

بنابراین با قلبی می‌توان وارث غدیر را یاری کرد که «سلیم» باشد و غیر خدا در آن قلب ساکن نشده باشد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ، فَلَا تُشْكِرُنَّ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ»؛^۴ قلب حریم خداوند است، پس در حرم خدا غیر خدا را ساکن نکنید».^۵

دوم، قلب خود را از هر گونه آلودگی به گناهان پاک نگه دارد؛ زیرا همان گونه که جسم انسان به بیماری مبتلا می‌شود، روح او نیز ممکن است به وسیله گناهان مختلف بیمار شود و دیگر نتواند با این قلب بیمار، امامش را یاری کند. در آیات و

۱. رک: سوره صافات، آیه ۸۴.

۲. سوره شعراء، آیات ۸۸-۸۹.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۶، باب الإخلاص، ح ۵؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۲۳۹.

۴. جامع الأخبار، شعیری، ص ۱۸۵؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۲۵.

۵. مرحوم آیت الله العظمی اراکی در وصف داماد خود آیت الله سید محمد تقی خوانساری فرموده بود: «ایشان بَوَابُ الْقَلْبِ هَسْتَنْد»؛ یعنی ایشان بسیار مواظب قلب خویش هستند که غیر خدا وارد نشود!

روایات درباره سلامت و بیماری قلب، حقیقت‌های مهمی بیان شده است که به یک نمونه اشاره می‌شود؛ خداوند می‌فرماید: ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛^۱ چنین نیست [که می‌گویند]، بلکه آن چه مرتکب می‌شدند (از گناهان) بر دل‌هاشان چیره شده و آن‌ها را پوشانده (یا زنگار بسته) است.

امام باقر علیه السلام در توضیح این آیه فرمود: «هر بنده‌ای در دلش نقطه سفیدی است که چون گناهی کند، خال سیاهی در آن پیدا شود، سپس اگر توبه کند آن سیاهی برود، و اگر انجام گناه را ادامه دهد، آن سیاهی بیفزاید تا روی سفیدی را بپوشاند، و هنگامی که سفیدی پوشیده شد، دیگر صاحب آن دل هرگز به سوی خوبی باز نمی‌گردد، و همین است گفتار خدای بلند مرتبه: «چنین نیست [که می‌گویند]، بلکه آن چه مرتکب می‌شدند (از گناهان) بر دل‌هاشان چیره شده و آن‌ها را پوشانده (یا زنگار بسته) است».^۲

حال اگر چنین شخصی از گناهان خویش توبه نکند و انجام گناه را ادامه دهد، کم کم همه قلب فاسد می‌شود و قلبش می‌میرد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چهار کار است که قلب را می‌میراند: «۱. گناه بر روی گناه؛ ۲. زیاد بگو مگو کردن با زنان؛ ۳. با آدم نادان سر و کله زدن بی حاصل که نتیجه‌ای هم ندارد؛ ۴. با آدم‌های پول دار و مرفه، نشست و برخاست کردن».^۳

بنابراین دوستدار اهل بیت علیهم السلام با قلبی می‌تواند امامش را یاری کند، که اعمالی

انجام نداده که قلبش مُرده باشد.^۴

۱. سوره مطففین، آیه ۱۴.

۲. کافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۲۷۳، باب الدُّنُوبِ، ح ۲۰.

۳. «الدُّنْبُ عَلَى الدَّنْبِ، وَ كَثْرَةُ مُنَاقَشَةِ النِّسَاءِ يَعْنِي مُحَادَثَتَهُنَّ، وَ مُمَارَاةَ الْأَحْمَقِ تَقُولُ وَ يَقُولُ وَ لَا يَرْجِعُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا، وَ مُجَالَسَةُ الْمَوْتَى، فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْمَوْتَى؟ قَالَ: كُلُّ غَنِيِّ مُتْرَفٍ (خصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۲۸).

۴. امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند: «إِعْرَابُ الْقُلُوبِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَنْوَاعٍ: رَفْعٍ وَ فَتْحٍ وَ خَفْضٍ وَ



راه یاری کردن وارث غدیر با قلب

در سیره بزرگان امامیه، راه یاری کردن امام مع صوم علیه السلام با قلب، به وسیله «تبات قلبی» معرفی شده، چنان که در دو مورد زیر بیان شده است:

مورد اول

جابر بن عبدالله انصاری در هنگام زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین، به عطیه^۱ چنین گفت: «سوگند به آن کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق به نبوت برانگیخت، ما نیز شریک بودیم در آن امری که شما داخل شدید (یعنی جنگیدن و به شهادت رسیدن و یاری کردن امام حسین علیه السلام). عطیه گفت: ما رنجی نکشیدیم، و شمشیری نزدیم، در حالی که سرهای این گروه از بدن جدا، و زانانشان بیوه، و فرزندان ایشان یتیم شدند؛ چگونه در اجر با ایشان شریک باشیم؟ جابر گفت: ای عطیه، از حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «هر کس گروهی را دوست دارد، با آن‌ها محشور خواهد شد، و هر کس عمل قومی را دوست دارد، با ایشان در ثواب آن عمل شریک باشد». جابر در ادامه گفت: سوگند به آن کسی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به حق به

→

وَقَفَّ؛ فَرَفَعُ الْقَلْبِ فِي ذِكْرِ اللَّهِ، وَفَتَحُ الْقَلْبِ فِي الرَّضَا عَنِ اللَّهِ، وَخَفَضُ الْقَلْبِ فِي الْإِسْتِغَالِ بِغَيْرِ اللَّهِ، وَوَقَفُ الْقَلْبِ فِي الْغَفْلَةِ؛ اعراب قلوب بر چهار نوع است: رفع و فتح و خفض و وقف؛ حالت رفع قلوب: در صورتی است که در ذکر و یاد خدا باشد؛ حالت فتح: در موردی است که از پروردگار خود راضی باشد؛ حالت خفض (کسره): در حالی است که به غیر خدا متوجه و مشغول باشد؛ حالت وقف: آن وقتی است که از خدای خود غافل باشد» (یحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۵۵).

۱. عطیه (متوفای ۱۱۱ق)، یکی از بزرگان روات امامیه و از محدثین و مفسرین است. عطیه کسی است که خطبه حضرت زهرا علیها السلام را در غضب فدک از عبدالله بن حسن شنیده و نقل کرده است (بلاغات النساء، ابن طیفور، ص ۲۳).

نبوت برانگیخت، نیت من و اصحابم بر همان نیت امام حسین علیه السلام و اصحاب او است»^۱.

مورد دوم

در هنگام زیارت اهل بیت علیهم السلام، خطاب به ایشان عرض می‌کنیم: «ما خدا را شاهد می‌گیریم، که ما نیز حتماً با دوستان و یاران پیشین که در زمان شما بوده‌اند: در ریختن خونِ ناکثین (در جنگ جمل)، و قاسطین (در جنگ صفین)، و مارقین (در جنگ نهروان) از مخالفانِ امیرالمؤمنین علیه السلام، و در ریختن خونِ قاتلانِ ابا عبدالله علیه السلام سرور جوانان بهشت در کربلا، با نیت‌هایمان و قلب‌هایمان و با تأسف و حسرت و غصه که چرا این مواقف (جنگ‌ها) از ما فوت شده است و نتوانستیم در زمان حیاتشان، ایشان را یاری کنیم؛ با آن‌ها شریک بوده‌ایم»^۲.

حال که چنین است، با تمام وجود از خداوند عاجزانه درخواست می‌کنیم که ما را از ناصران، یاوران و مدافعان امام زمان علیه السلام قرار بدهد: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الدَّائِبِينَ عِنْدَهُ»^۳.

۱. «وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا، لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِيَمَا دَخَلْتُمْ فِيهِ، قَالَ عَطِيَّةٌ فَقُلْتُ لَهُ: يَا جَابِرُ، كَيْفَ وَ لَمْ نَهَيِّطْ وَاوِيَاءَ، وَ لَمْ نَعْلُ جَبَلًا، وَ لَمْ نُضْرِبْ بِسَيْفٍ، وَ الْقَوْمُ قَدْ فُرِّقَ بَيْنَ رُءُوسِهِمْ وَ أَبْدَانِهِمْ، وَ أُوتِمَتْ أَوْلَادُهُمْ، وَ أَزْمَلَتْ أَرْوَاجُهُمْ؟ فَقَالَ: يَا عَطِيَّةُ، سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَمَّ وَ نَبِيًّا يَقُولُ: «مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُسْرًا مَعَهُمْ، وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلَ قَوْمٍ، أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِمْ»، وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا، أَنْ يَبِيَّ وَ يَتَهُ أَصْحَابِي عَلَيَّ مَا مَضَى عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَام وَ أَصْحَابُهُ» (بشارة النصطفى، طبری عاملی، ص ۷۵؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۶۵، ص ۱۳۱).

۲. «فَنَحْنُ نُشْهَدُ اللَّهَ أَنَّا قَدْ شَارَكْنَا أَوْلِيَاءَكُمْ وَ أَنْصَارَكُمْ الْمُتَقَدِّمِينَ، فِي إِرَاقَةِ دِمَاءِ النَّكَائِثِ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ، وَ قَتَلَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَوْمَ كَرْبَلَاءَ، بِالنِّيَّاتِ وَ الْقُلُوبِ، وَ التَّأْسُفِ عَلَيَّ قُوَّةِ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الَّتِي حَضَرُوا لِضُرَّتِكُمْ» (المزار الكبير، ابن مشهدی، ص ۲۹۹).

۳. البلد الأمين، كنعمی، ص ۸۲.



شیوه دوم: یاری کردن وارث غدیر با زبان

یکی دیگر از شیوه‌هایی که محبّ امام زمان علیه السلام می‌تواند با آن امامش را یاری کند، «یاری کردن با زبان» است. در مقام یاری کردن امام عصر علیه السلام با زبان، پاکیزه کردن زبان بر هر عمل دیگری مقدم است؛^۱ به صورتی که حتی پاکیزه کردن قلب هم بدون آن امکان پذیر نیست. امیرمؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود: «لَا يَسْتَقِيمُ إِيمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ، وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ»^۲ ایمان هیچ بنده‌ای درست نمی‌شود، مگر آن که قلب او درست باشد، و قلبش درست نمی‌شود، مگر آن که زبانش درست شود».

راه‌های یاری کردن وارث غدیر با زبان

راه اول: طلب خیر کردن برای امام عصر علیه السلام

یکی از راه‌های یاری کردن وارث غدیر با زبان، «طلب خیر کردن» برای ایشان است. نمونه روشن طلب خیر کردن در دوران غیبت، دعا کردن برای سلامتی، فرج و قرار گرفتن جزء سربازان امام عصر علیه السلام است. دعا کردن برای امام زمان علیه السلام که از جمله وظایف منتظران برشمرده شده،^۳ در دعاهای مختلفی نقل شده است که به یکی از این دعاها اشاره می‌شود:

۱. برای آشنایی با گناهان زبان، رک: *نقش زبان در سرنوشت انسان*، مهدی فقیه ایمانی. در این کتاب، بیش از ۱۹۰ نوع گناه برای زبان شمرده شده است.
۲. *نهج البلاغه*، سید رضی، خطبه ۱۷۶، ص ۲۵۴.
۳. برای آشنایی بیشتر با وظایف منتظران، رک: *میکال المکارم*، آیت‌الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی، ج ۲، ص ۱۴۷-۴۷۹. نویسنده در این کتاب، هشتاد وظیفه از وظایف منتظران را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مُقَاتِلَ گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: «در قنوت نماز جمعه چه می گویی؟»، گفتم: آن چه مردم می گویند، امام فرمود: «آن چه آنها می گویند، نگو؛ بلکه بگو:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ، وَ حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ أَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَ اسْأَلْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا،^۱ يُحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، أَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَى وِلَايَتِكَ سُلْطَانًا، وَ اتَّذِنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّمِ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛^۲ خدایا، به وسیله آن چه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، امر بنده و جانشینت (امام عصر علیه السلام) را نیز اصلاح فرما، و با فرشتگانت گرداگردش را فرا بگیر، و او را با روح القدس از جانب خودت، تأییدش گردان، و مراقب و نگهبانی در پیش رو و از پشت سرش بگمار تا نگذارند هیچ بدی به او برسد، و پس از شرایط ترسناکی که دارد، محیطی سراسر آرام برایش فراهم کن، تا تو را بپرستد و چیزی را شریک تو نگرداند، و چیرگی و قدرت برای هیچ یک از آفریدگانت بر ولایت قرار مده، و به او اجازه بده تا با دشمن تو و دشمن خودش به نبرد برخیزد، و مرا نیز از یارانش قرار ده، همانا تو بر هر چیزی توانا هستی».

۱. اشاره به آیه ﴿إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ، فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا﴾؛ مگر فرستاده‌ای که از او خشنود باشد (از غیب مطلع می‌کند)، پس خداوند از پیش رو و پشت سر او، نگهبانانی روانه می‌کند (تا رسولان مُلکی و بشری را از مزاحمت شیاطین مصون دارند) (سوره جن، آیه ۲۷).

۲. مصباح المتنهجد، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۶۷؛ جمال الأسبوع، سید ابن طاووس، ص ۴۱۳.

نکات

۱. هر چند امام رضا علیه السلام سفارش فرموده که این دعا در قنوت نماز جمعه خوانده شود، ولی خواندنش در هر زمان و هر مکانی بسیار سزاوار است.
۲. این دعا که شرح دعای فرج و سلامتی امام زمان علیه السلام می باشد؛ از سه بخش تشکیل شده است:
 - بخش اول، دعا برای فرج امام عصر علیه السلام (اصلاح امور برای آمدن آن حضرت)؛
 - بخش دوم، دعا برای سلامتی آن حضرت (به وسیله فرشتگان، روح القدس و افرادی خاص مورد حفاظت قرار گیرد)؛
 - بخش سوم، سه دعای ویژه (عدم سلطنت بر امام عصر علیه السلام، درخواست اذن جهاد و فرار گرفتن جزء یاران آن حضرت).

سؤال: چگونه می توان سرباز و یار امام زمان علیه السلام شد؟

این سؤال را می توان با توجه به روایت زیر پاسخ داد؛ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ: فَلْيَنْتَظِرْ، وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ، وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ، كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ؛ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا، هَنِيئاً لَكُمْ آتِيهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ؛^۱ هر کس که بودن در شمار یاران قائم شادمانش سازد، باید به انتظار باشد، و با حال انتظار به پرهیزگاری و خلق نیکو رفتار کند و چنین شخصی منتظر است؛ پس اگر اجلس برسد و امام قائم علیه السلام پس از درگذشت او قیام کند، بهره او از پاداش همانند کسی است که آن حضرت را درک کرده باشد؛ پس بکوشید و منتظر باشید، گوارا باد شما را، ای جماعتی که مشمول رحمت خدا هستید».

۱. کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۰؛ اثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی، ج ۵، ص ۱۵۹.

نکات

۱. در این روایت به سه عمل دستور داده شده است: انتظار، ورع، اخلاق نیکو.
۲. اخلاق دو رکن اصلی دارد: رکن اول، کسب فضایل (خوبی‌ها)؛ رکن دوم، دفع رذایل (زشتی‌ها). شخصی که هوای یاری امام عصر علیه السلام را در سر می‌پروراند، خود را به خوبی‌ها می‌آراید و از زشتی‌ها و پلیدی‌های اخلاقی دوری می‌گزیند و در مسیر انتظار، همواره مراقب افکار و اعمال خویش است و گر نه افتادن به دام بدی‌ها، رفته رفته فاصله او را با معشوقِ خوبان، امام زمان علیه السلام زیادتر خواهد کرد.
۳. در روایات، برای انتظار فرج ثواب‌های زیادی بیان شده است؛ به عنوان مثال امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا، كَالْمُتَسَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۱ منتظر امر ما، مانند کسی است که در راه خدا به خون غلطیده است».
۴. در برخی از روایات، انتظار فرج از برترین اعمال شمرده شده است؛ به عنوان نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛^۲ برترین کارهای امت من، انتظار فرج است». در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛^۳ با فضیلت‌ترین عمل‌ها، انتظار فرج است». همچنین امام جواد علیه السلام فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا، إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛^۴ برترین اعمال شیعیان ما، انتظار فرج است».^۵

۱. تَحْفَ الْعُقُولِ، ابن شعبه حرّانی، ص ۱۱۵؛ خصال، شیخ صدوق، ص ۶۲۵.
 ۲. الإمامة والتبصرة، علی بن حسین ابن بابویه، ص ۲۱؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۵۰، ص ۲۱۸.
 ۳. كشف الغمّة، اربلی، ج ۲، ص ۲۰۷؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۰۸.
 ۴. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۷۷؛ کفایة الأثر، حرّاز، ص ۲۸۱.
 ۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي، إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (تَحْفَ الْعُقُولِ، ابن شعبه حرّانی، ص ۳۷).

۵. با توجه به این روایات، معلوم می‌شود، انتظار فرج از جنس عمل است. در عمل هم حرکت وجود دارد و در حرکت (هدفمند) نیز سرعت و سبقت قرار گرفته است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ﴾؛^۱ آنان^۲ هستند که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند و آنانند که در انجام آن (کارهای نیک، از دیگران) سبقت می‌جویند. همچنین در دعای عهد از خداوند خواسته می‌شود: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِمْ وَأَعْوَانِهِ، وَالدَّائِبِينَ عَنْهُ، وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَ الْمُحَامِينَ عَنْهُ، وَ السَّابِقِينَ إِلَىٰ إِزَادَتِهِ، وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»^۳ خداوندا، مرا از یاران و یاوران و مدافعان او (امام زمان علیه السلام) قرار بده، و آنان که در انجام مقاصد او سرعت می‌ورزند، و از پشتیبان‌های وی، و کسانی که در ارادت به حضرتش سبقت گرفته‌اند، و آنان که در رکابش شهید می‌شوند».

۶. اصحاب سیدالشهدا علیهم السلام اهل سرعت و سبقت بودند؛ فرصت‌ها را از دست ندادند و از لحظه‌ها بهره‌مند شدند،^۴ و در نهایت در رکاب مولای خویش به فوز شهادت رسیدند.

راه دوم: محبوب ساختن امام زمان علیه السلام

یکی دیگر از راه‌های باری کردن وارث غدیر با زبان، محبوب سازی ایشان در

۱. سوره مؤمنون، آیه ۶۱.

۲. بر اساس آیات قبل، این افراد، دارای چند ویژگی هستند: ۱. از ترس پروردگارشان هراسانند؛ ۲. به آیات پروردگارشان ایمان دارند؛ ۳. برای پروردگارشان شریک نمی‌آورند؛ ۴. در راه خداوند انفاق می‌کنند، در حالی که دل‌های آنان هراسان است که به سوی پروردگارشان باز می‌گردند.

۳. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۹۶.

۴. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «وَالْفُرْصَةُ تَمُورُ مَرَّ السَّحَابِ، فَأَنْتَهُزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ؛ وَ فُرْصَتُهَا چُونِ اِبْرَاهِيمَ» می‌گذرند، پس فرصت‌های نیک را غنیمت شمارید» (نهج البلاغه، سید رضی، حکمت ۲۱).

دل و اندیشه مردم به طور عام و در دل و اندیشه خانواده خود به صورت خاص است. این وظیفه مهم در کلام نورانی و ارزشمند اهل بیت علیهم السلام برای شیعیان تبیین شده است:

روایت اول

علقمه می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، مرا نصیحت فرما. حضرت فرمود: «کاری کنید که مردم دوستان بدانند، و کاری نکنید که مورد بغض و کینه آنها واقع شویم، همه محبت ها را به سوی ما بکشانید و هر گونه زشتی را از ما دفع کنید، هر خوبی که در حق ما گفته شود، ما اهل آن هستیم و هر بدی که درباره ما گفته شود، آن گونه نیستیم...»^۱

روایت دوم

مُدْرِكُ گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «رحمت خدا بر آن بنده ای که دوستی مردم را به سوی ما بکشاند، آن چه از سخنان ما را که می شناسند و می پذیرند را برای آنان بیان کند، و آن چه از سخنان ما را انکار می کنند، ترک کند (بیان نکند)».^۲

روایت سوم

امام عسکری علیه السلام حدیثی را از امام سجاد علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

۱. «... أَجِبُونَا إِلَى النَّاسِ، وَ لَا تَبْغَضُونَا إِلَيْهِمْ» جُزُوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ، وَ اذْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، مَا فِينَا مِنْ خَيْرٍ فَتَحْنُ أَهْلَهُ، وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ شَرٍّ فَوَاللَّهِ مَا نَحْنُ كَذَلِكَ...» (صفات الشیعة، شیخ صدوق، ص ۲۸، ح ۳۹؛ بشارة المصطفی، طبری آملی، ص ۲۲۲).
۲. «يَا مُدْرِكُ، رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا، فَحَدَّثَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ» (امالی، شیخ صدوق، ص ۹۹).

«خداوند به حضرت موسی وحی فرمود: مرا در نظر بندگانم دوست بشناسان و کاری بکن که من هم مخلوقات خودم را دوست بدارم. حضرت موسی عرض کرد: خداوندا، این کار را چگونه انجام بدهم؟ خداوند فرمود: نعمت‌ها و احسان‌های مرا برای آنان بیان کن تا مرا دوست بدارند. اگر تو بنده‌ای را که از در من روگردان شده به سویم برگردانی، و گمراهی را به آستانه‌ام برگردانی، برای تو بیش از یک سال عبادت ثواب دارد، که روزهایش را روزه گرفته باشی و شب‌هایش را نماز شب خوانده باشی. حضرت موسی عرض کرد: خداوندا، این بنده کیست؟ خداوند فرمود: بنده گنهگار متمرّد و سرکش است. حضرت موسی دوباره عرض کرد: بنده گمراه کدام است؟ خداوند فرمود: کسی که امام زمان خود را نشناسد، و کسی که جاهل به شریعت و دین او باشد، با این که به آن شریعت معتقد است، ولی به خداوندش عبادت نمی‌کند تا به رضای او دست یابد»^۱.

نکات

۱. به هر صورت، کسی که با زبانش، دل‌ها را متوجّه امام عصر علیه السلام کند؛ چه با ذکر فضائل ایشان، چه با بیان علوم و معارف آن‌ها که از طریق نقل و شرح احادیث ایشان میسر است، و چه با سرودن شعر، مردم را به یاد آنها وارث غدیر بیندازد؛ همه این موارد از مصادیق محبوب ساختن ایشان است.

۲. برای تحقق بخشیدن به این وظیفه مهم؛ یعنی محبوب سازی امام عصر علیه السلام در دل و اندیشه مردم، لازم است در ابتدا شخص معرّفی کننده، امام زمان خویش را به خوبی بشناسد تا قدرت علمی و عملی برای محبوب سازی ایشان برای دیگران داشته باشد.

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۴.

راه سوم: احیا کردن امر اهل بیت علیهم السلام

یکی از راه‌های یاری کردن وارث غدیر با زبان، احیا کردن امر اهل بیت علیهم السلام است. مقصود از احیای امر ایشان، زنده نگه داشتن دین اهل بیت علیهم السلام و یاد فضایل و علوم ایشان، و باقی نگه داشتن آن علوم است، تا در غلبه دشمنان و شبهاتی که آن‌ها به وجود می‌آورند، مرام، فضایل و علوم اهل بیت علیهم السلام کهنه نشود.^۱ بر اساس روایات، به روش‌های مختلف می‌توان، امر اهل بیت علیهم السلام را احیا کرد که به دو نمونه اشاره می‌شود:

روش اول: یاد گرفتن و یاد دادن علوم اهل بیت علیهم السلام

یاد گرفتن و یاد دادن معارف و علوم اهل بیت علیهم السلام که تنها علم واقعی و صحیح است، قلب انسان را پاک می‌کند و او را به سعادت حقیقی می‌رساند.

روایت اول

عبدالسلام هروی گوید: شنیدم امام رضا علیه السلام فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أُمَّرْتَنَا؛ خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده بدارد». به ایشان عرض کردم: وَ كَيْفَ يُحْيِي أُمَّرْكُم؟ چگونه امر شما را زنده بدارد؟ فرمود: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛^۲ علوم ما را بیاموزد و به مردم یاد بدهد؛ زیرا مردم اگر نیکی‌های سخنان ما را بدانند، حتماً از ما پیروی می‌کنند».

۱. *مرآة العقول*، علامه مجلسی، ج ۹، ص ۲۵۳.

۲. *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۰۷، باب ۲۸، ح ۶۹؛ *معانی الأخبار*، شیخ صدوق، ص ۱۸۰؛ *بحار الأنوار*، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۰، ح ۱۳.



روایت دوم

امام صادق علیه السلام به فضیل بن یسار فرمود: «آیا گرد هم می‌نشینید و از ما سخن می‌گویید؟ عرض کردم: فدایت شوم، آری. فرمود: به راستی، من این مجالس را دوست دارم، امر ما را زنده کنید. همانا هر که ما را یاد کند یا از ما نزد او یاد شود و به اندازه بالِ مگسی اشک از دیده‌اش خارج شود، خداوند گناهان او را ببخشد، اگر چه بیشتر از کف دریا باشد»^۱.

روش دوم: دیدار شیعیان اهل بیت علیهم السلام

روایت اول

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «شیعیان ما کسانی باشند که برای ولایت ما به یکدیگر بخشش کنند، و در راه دوستی ما با یکدیگر دوستی نمایند، و برای زنده کردن امر ما به دیدار یکدیگر بروند، اگر خشمگین شوند ستم نکنند، و اگر راضی و خشنود باشند، اسراف نوزند، برای همسایگان خویش برکت هستند، و با هر کس معاشرت کنند، صفا و صمیمیت دارند»^۲.

روایت دوم

امام صادق علیه السلام فرمود: «به دیدن یکدیگر بروید و مطالب علمی (احادیث) را

۱. «تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ؟»، قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: «تِلْكَ الْمَجَالِسُ أَحِبُّهَا، فَأَخْبُوا أَمْرَنَا، رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْبَبَنَا أَمْرَنَا. يَا فَضِيلُ، مَنْ ذَكَرَنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ، فَخَرَجَ عَنْ عَيْنَيْهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ، وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ» (مصادقة الإخوان، شیخ صدوق، ص ۳۲؛ وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۲، ص ۲۰؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۸۲).
۲. «شِيعَتُنَا الْمُتَبَاذِلُونَ فِي وَلَائِنَا، الْمُتَحَابُّونَ فِي مَوَدَّتِنَا، الْمُتَرَاوُونَ فِي إِخْبَائِ أَمْرِنَا، الَّذِينَ إِذَا غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا، وَ إِذَا رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا، بَرَكَتٌ عَلَى مَنْ جَاوَزُوا، سَلِمَ لِمَنْ خَالَطُوا» (کافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۲۳۷، بَابُ الْمُؤْمِنِ وَ عِلْمَاتِهِ وَ صِفَاتِهِ، ح ۲۴).

با هم گفتگو کنید؛ زیرا به وسیله حدیث، دل‌های آلوده، پاک و (همچنین) امر ما زنده می‌شود، خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده بدارد»^۱.

راه چهارم: دفاع علمی از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام

چهارمین راه از راه‌های یاری کردن امام عصر علیه‌السلام با زبان، دفاع علمی از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است. از جمله روش‌های دفاع کردن، دفاع فرهنگی و علمی و تلاش برای توسعه افکار و آرمان‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است؛ همچنین کوشش برای کنترل افکار مخالفان فکری اهل بیت علیهم‌السلام و مبارزه و مناظره علمی با دشمنان آنان است.

دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌تواند نسبت به هجوم و تعرض به حریم دین، بی تفاوت باشد؛ چرا که حریم دین، حریم امام معصوم علیه‌السلام است. پس یکی از بهترین مصادیق یاری ایشان، دفاع از اعتقادات تشیع، مقابله با هجوم مخالفان شیعه و پاسخ‌گویی به شبهات دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام است.^۲

روایات دفاع علمی از اهل بیت علیهم‌السلام

این وظیفه مهم در کلام نورانی اهل بیت علیهم‌السلام برای دوستداران ایشان تبیین شده است که به چهار روایت اشاره می‌شود:

روایت اول

امام صادق علیه‌السلام، هشام بن حکم را که یاری کننده امامش بود را مورد توجه قرار

۱. «تَلَقُّوا وَ تَحَادُّثُوا الْعِلْمَ؛ فَإِنَّ بِالْحَدِيثِ تَجَلَّى الْقُلُوبِ الرَّائِيَةَ، وَ بِالْحَدِيثِ إِخْيَاءَ أَمْرِنَا، فَرَجَمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا» (عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور، ج ۴، ص ۶۷، ح ۲۷؛ بحارالأنوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۲۰۲، ح ۱۴).

۲. آفتاب در غربت، سید محمد بنی هاشمی، ص ۴۱۴.

داد و در محفلی در ایام حجّ برایش جا باز کرد و درباره او فرمود: «نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»^۱ [هشام] با دل و زبان و دستش، یاور ما (اهل بیت) است».

نکات

۱. یاری کننده امام، مورد توجه و عنایت ویژه امام خویش است.
۲. این بالاترین افتخار برای یک شیعه امام شناس به حساب می آید که مدال نصرت امامش را از دست مبارک خود ایشان دریافت کند.

روایت دوم

امام صادق علیه السلام همراه با بیان یک دستور کار برای مقابله با هجوم دشمنان شیعه، در بیان پاداش افرادی که به دفاع از مرزهای دین می پردازند، این گونه فرمود: «کسی که همّتش این باشد که دشمنان اهل بیت علیهم السلام را بشکند و شرّ آنها را از سر شیعیان و دوستان بیچاره ما کم کند، و از آن چه نشانه رسوایی آنها است، پرده برداری کند، و زشتی های آنها را آشکار نماید، و شکوه امر محمد و آل محمد (درود خداوند بر آنان) را نمایان سازد، خداوند همین همّت او را به دارایی های بهشتی برای ساختن قصرها و خانه هایش تبدیل می کند که در مقابل هر حرفی از حجّت هایش در برابر دشمنان خدا، بیش از دارایی های همه اهل دنیا از آنها استفاده کند؛ دارایی هایی که توان هر یک از آنها بیش از (قدرت) برداشتن آسمانها و زمین است. پس چه بسیار ساختمانها و نعمت ها و قصرهایی (خواهد داشت) که ارزش آنها را غیر از پروردگار جهانیان نمی داند»^۲.

۱. کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۱۷۲، بَابُ الإِضْطِرَارِ إِلَى الْحُجَّةِ، ح ۴.

۲. «مَنْ كَانَ هَمُّهُ فِي كَسْرِ التَّوَابِعِ عَنِ الْمَسَاكِينِ مِنْ شِيعَتِنَا، الْمُؤَالِينَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَكْسِرُهُمْ عَنْهُمْ، وَ يَكْثِفُ عَنْ مَحَازِبِهِمْ، وَ يُبَيِّنُ عَوْرَاتِهِمْ، وَ يُفْحَمُ أَمْرَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»

روایت سوم

امام حسن عسکری علیه السلام در روایتی، دوستان امام عصر علیه السلام را این گونه معرفی می‌فرماید: «إِسْتَبْطُوا الدِّينَ، فَوَازَرُوهُ عَلَىٰ مُجَاهَدَةِ الْأَضْدَادِ؛^۱ دین را استنباط می‌کنند، و از طریق مجاهده با دشمنان، به یاری آن اقدام می‌کنند».

روایات چهارم

امام عصر علیه السلام نیز وقتی مقابله دوستانِ خویش با دشمنان دین را مشاهده نماید، خوشحال می‌شود و برای آن‌ها دعا می‌فرماید: «وَ اجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِنَصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيِّدِينَ، وَ فِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ، وَ عَلَىٰ مَنْ أَرَادَنِي وَ أَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مُنْصُورِينَ... وَ اجْعَلْهُمْ فِي حِرْزِكَ وَ أَمْنِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛^۲ [خدایا] آن کسانی را که برای یاری دین تو، از من پیروی می‌کنند، تأیید فرما، و آنان را از جهادگران در راه خود قرار بده، و آنان را در مقابل کسانی که نسبت به من و ایشان تبت بد دارند، یاری فرما... و آنان را در دژ استوار و امنِ خویش قرار بده، با رحمتت ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان».

شیوه سوم: یاری کردن وارث غدیر با عمل

یکی دیگر از شیوه‌هایی که دوستدار اهل بیت علیهم السلام می‌تواند با آن امامِ خویش را یاری کند، «یاری کردن با عمل» است.

→

جَعَلَ اللَّهُ هِمَّةَ أَمْلَاكِ الْجَنَانِ فِي بِنَاءِ قُصُورِهِ وَ دُورِهِ، يَسْتَعْمِلُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِنْ حُرُوفِ حُجَجِهِ عَلَىٰ أَعْدَاءِ اللَّهِ، أَكْثَرَ مِنْ عَدَدِ أَهْلِ الدُّنْيَا أَمْلَاكًا، قُوَّةَ كُلِّ وَاحِدٍ تَفْضُلُ عَنْ حَمْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، فَكَمْ مِنْ بِنَاءٍ، وَ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ، وَ كَمْ مِنْ قُصُورٍ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهَا إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ
(بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۱۰، ح ۱۹).

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۸.

۲. مَهْجُجِ الدَّعَوَاتِ، سید ابن طاووس، ص ۳۰۲.

در روایات از این شیوه، به عنوان «یاری کردن با دست» نام برده شده است؛ البته در این نوع یاری رساندن، «دست» به عنوان مظهر قدرتِ آدمی است. یاری کننده اهل بیت علیهم السلام با دست، به کسی گفته می‌شود که با عمل خویش آن بزرگواران را یاری کند که شامل هر گونه عملی در جهت یاری ایشان می‌شود. با این توضیحات می‌توان گفت: از جهتی مهم‌ترین شکل یاری امام عصر علیه السلام این است که انسان در رفتارهای فردی و اجتماعی، هر چه بیشتر به رنگ امامان معصوم علیهم السلام درآید و بتواند با عمل خویش به تبلیغ دین و یاری امام زمان علیه السلام بپردازد.^۱

روایات یاری رساندن امام معصوم علیه السلام با عمل

روایت اول

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مَثَلُ تُو مَانِدٌ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ است؛ هر که این سوره را یک بار بخواند مثل این است که یک سوم قرآن را خوانده، و هر که دو بار بخواند، دو سوم قرآن را، و هر که سه مرتبه بخواند مثل این است که تمام قرآن را خوانده است. همچنین هر کس تو را با دل دوست داشته، معادل ثواب یک سوم از اعمال بندگان به او می‌دهند، و هر که تو را با دل دوست داشته باشد و با زبان یاریت کند، به او دو سوم از ثواب اعمال بندگان را می‌دهند، و هر کس تو را با دل دوست داشته باشد و با زبان و دست خود یاریت کند، معادل ثواب تمام بندگان به او می‌دهند».^۲

۱. آفتاب در غربت، سید محمد بنی هاشمی، ص ۴۲۷.

۲. «مَثَلُكَ مَثَلُ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾؛ فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ، وَمَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَيْنِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَيِ الْقُرْآنِ، وَمَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ، وَكَذَلِكَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ثُلُثِ ثَوَابِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ، وَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَنَصَرَكَ بِلِسَانِهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ثُلُثَيِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ»

روایت دوم

امام صادق علیه السلام فرمود: «شیعه ما نیست آن کسی که با زبان بگوید [با زبان اظهار محبت کند]، ولی با عملش مخالفت کند. شیعه ما کسی است که با زبان و قلبش موافق ما باشد و از آثار ما پیروی کند و به کارهای ما عمل نماید؛ اینان شیعیان ما هستند»^۱.

نکته: بر اساس این روایت، شیعه واقعی کسی است که با زبان و قلب و عملش یاری کننده اهل بیت علیهم السلام باشد.

راه‌های یاری کردن وارث غدیر با عمل

راه اول: دفاع عملی از امام عصر علیه السلام

یکی از راه‌های یاری کردن امام زمان علیه السلام، دفاع عملی از ایشان است. امامان معصوم علیهم السلام به شیعیان یاد داده‌اند که در دعاها از خداوند متعال درخواست کنند که آنان را از مدافعان امام عصر علیه السلام قرار دهد؛ امام صادق علیه السلام در دعای عهد می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِمْ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ؛ خدایا، مرا از یاوران و یارانش و سخت‌ترین مدافع کنندگان او قرار بده»^۲.

→

وَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَنَصَرَكَ بِلسَانِهِ وَيَدِهِ كَانَ مِثْلَ ثَوَابِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ» (محاسن، برقی، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۷۷؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲۷، ص ۹۳، ح ۵۴).

۱. «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ قَالَ بِلِسَانِهِ وَخَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَآثَارِنَا، وَ لَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ وَاقَفَنَا بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ اتَّبَعَ آثَارِنَا، وَ عَمِلَ بِأَعْمَالِنَا، أُولَئِكَ شِيعَتُنَا» (وسائل الشيعه، شيخ حرّ عاملی، ج ۱۵، ص ۲۴۷).

۲. البلد الأمين، كفعمی، ص ۸۲.

مهم‌ترین حرکت و فعالیت همه منتظران امام عصر علیه السلام در دوران غیبت، باید زمینه‌سازی برای ظهور و برنامه‌ریزی برای فرج باشد و با الگو گرفتن از شهدای کربلا و مجاهدان در راه خدا و با داشتن دغدغه دینی و یاری کردن دین خدا در دوران غیبت، برای یاری تنها وارث غدیر در دوران ظهور آماده شوند.

روایات دفاع عملی از اهل بیت علیهم السلام

روایت اول

داوود بن سلیمان از امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چهار گروه هستند که من روز قیامت از آن‌ها شفاعت می‌کنم، گر چه با گناه تمام اهل زمین بیایند: ۱. کمک‌کننده به اهل بیت؛ ۲. برآورنده نیازهای آن‌ها هنگام اضطرار ایشان به آن؛ ۳. دوست‌دار ایشان با دل و زبان؛ ۴. دفاع‌کننده از آنها با دستش»^۱.

روایت دوم

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ، وَأَعَانَنَا بِلِسَانِهِ، وَقَاتَلَ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا بِيَدِهِ، فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا؛^۲ هر کس ما را با قلب دوست بدارد، و با زبان خویش یاریمان کند، و در کنار ما با دشمنان ما بجنگد، در بهشت با ما هم درجه خواهد بود».

۱. «أُزْبَعَةُ أَنَا الشَّفِيعُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ لَوْ أَتَوَيْ بِذُنُوبِ أَهْلِ الْأَرْضِ: مُعِينٌ لِأَهْلِ بَيْتِي، وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ عِنْدَ مَا اضْطَرُّوا إِلَيْهِ، وَ الْمُجِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ، وَ الدَّافِعُ عَنْهُمْ بِيَدِهِ» (خصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، شیخ حرّ عاملی، ص ۳۳۳، ح ۴؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲۷، ص ۷۸، ح ۱۰).

۲. خصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۲۹.

راه دوم: یاری کردن امام زمان علیه السلام با ورع

«ورع» در لغت این گونه بیان شده است: «الْكَفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ»^۱ خودداری از حرام‌های قطعی». در اصطلاح، «ورع» نوعی احتیاط عقلی است برای کسب اطمینان از قرار نگرفتن در حرام؛ به بیانی دیگر، احتیاط در امر دین، حکم عقل است که می‌گوید: قبل از رسیدن به مرز حرام قطعی، انسان باید توقف کند، تا مطمئن شود به حرام نمی‌افتد.^۲

در برخی از روایات، بالاترین مرتبه «ورع»، اجتناب و دوری از شبهات^۳ بیان شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ؛ پرهیزکارترین مردم کسی است که در مورد شبهه ناک توقف کند».^۴

همانا اصل دین، اعتقاد به امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام و تسلیم بودن در برابر اوامر و نواهی ایشان است که حقیقت اسلام و ایمان نیز همین است. ولی آنچه این اصل را از تباهی حفظ می‌کند، روحیه پاسداری و مراقبت از آن به وسیله رعایت احکام الهی است که همان «ورع» نام دارد. به همین جهت امامان معصوم علیهم السلام که خود را به امر پروردگار، متکفل دست‌گیری و نجات دوستان خویش می‌دانند، سفارش زیادی به ورع کرده‌اند، با این تعبیر که رعایت ورع، کمکی است که دوستداران اهل بیت علیهم السلام به خود ایشان می‌کنند.^۵

۱. لسان العرب، ابن منظور، ج ۸، ص ۳۸۸.

۲. معرفت امام عصر علیه السلام، سید محمد بنی هاشمی، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۳. شبهه: کاری که احتمال حرمت داشته باشد؛ به عبارت دیگر، انسان نسبت به کاری شک داشته باشد که حرام است یا نه.

۴. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، ص ۴۸۹؛ خصال، شیخ صدوق، ص ۱۶.

۵. معرفت امام عصر علیه السلام، سید محمد بنی هاشمی، ص ۴۲۳-۴۲۴.

کاری که از دستداران امام زمان علیه السلام بر می آید این است که ایشان را به وسیله «ورع و اجتهاد» در نجات خودشان کمک و یاری کنند. ورع، حکم نخ تسبیح دارد؛ که همه دانه‌های آن را در کنار هم نگه می‌دارد و عبادات هم حکم دانه‌های تسبیح دارند. تا وقتی این نخ سالم است، دانه‌ها در کنار هم قرار گرفته و منظم هستند، و اگر این نخ پاره شود، دانه‌ها هم می‌ریزند و دیگر آن تسبیح باقی نمی‌ماند. امام سجاد علیه السلام فرمود: « ورع به رشته درآورنده عبادات است؛ اگر ورع بریده شود، دینداری هم (از بین) می‌رود، به همان صورت که اگر رشته پاره شود، رشته شده نیز به دنبال آن از هم می‌پاشد».^۱

روایات یاری کردن اهل بیت علیهم السلام با ورع

روایت اول

امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن نامه‌ای به عثمان بن حنیف انصاری فرمود: «أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَفَّةٍ وَسَدَادٍ»^۲ با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و استقامت در راه راست، مرا یاری کنید».

روایت دوم

امام صادق علیه السلام فرمود: روزی با پدرم به مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله رفتیم، در آن جا گروهی از شیعیان ما، بین قبر و منبر [نشسته] بودند، پدرم نزدیک رفت و بر آنان سلام کرد و فرمود: «به خدا قسم، حتماً من شما را دوست دارم، و بو(نفس) و روح شما را

۱. «الْوَرَعُ نِظَامُ الْعِبَادَةِ، فَإِذَا انْقَطَعَ الْوَرَعُ ذَهَبَتِ الدِّيَانَةُ، كَمَا أَنَّهُ إِذَا انْقَطَعَ السَّلْكُ اتَّبَعَهُ النَّظَامُ» (مالی، شیخ طوسی، ص ۷۰۳، مجلس ۴۰؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۳۰۸، ح ۳۷).

۲. نهج البلاغه، سید رضی، نامه ۴۵.

دوست دارم؛ پس ما را بر این محبت به وسیله پرهیزکاری و سعی و تلاش خود یاری کنید، و شما جز با پرهیزکاری و تلاش و کوشش، به ولایت و دوستی ما نمی‌رسید»^۱.

روایت سوم

در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام به یکی از دوستداران خویش فرمود: «آگاه باشید، به خدا سوگند، شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید، پس ما را نسبت به این امر (دین خودتان) با ورع و اجتهاد یاری کنید؛ (برپایی) نماز و عبادت، و رعایت کردن ورع و وظیفه شما است»^۲.

بنابراین انجام واجبات و اجتناب از محرمات که جدیت در آن، اجتهاد نامیده می‌شود، باید با حالت ورع همراه باشد تا دین انسان را حفظ کند؛ چرا که اجتهاد بدون ورع فایده‌ای ندارد. چنان که امام صادق علیه السلام به عمرو بن سعید سفارش فرمود: «تو را سفارش می‌کنم به تقوای خدا و ورع و کوشش، و بدان که اجتهاد و کوششی که در آن ورع نباشد، فایده‌ای ندارد»^۳.

پس معلوم می‌شود که اجتهاد با ورع متفاوت است، ولی در هر صورت این دو باید در کنار هم باشند. البته ورع از اجتهاد بالاتر است؛ بالاترین اجتهاد، ترک گناهان است و بالاترین مرتبه ورع، توقف کردن در امور شبهه ناک است.^۴

۱. «وَاللَّهِ إِنِّي لأُحِبُّكُمْ، وَ أَجِبُّ رِيحَكُمْ وَ أَرَوَّاحَكُمْ، فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ، فَإِنَّكُمْ لَنْ تَسْأَلُوا وَلَا يَتَسَّأَلُوا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ» (مسالی، شیخ طوسی، ص ۷۲۲، مجلس ۴۳؛ مشکاة الانوار، علی بن حسن طبرسی، ص ۹۲).

۲. «أَمَّا وَ اللّٰهُ إِنَّكُمْ لَعَلَى دِينِ اللّٰهِ وَ مَلَائِكَتِهِ، فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ، عَلَيْنَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَ الْعِبَادَةِ، عَلَيْنَكُمْ بِالْوَرَعِ» (مسالی، شیخ مفید، ص ۲۷۰، مجلس ۳۲؛ مسالی، شیخ طوسی، ص ۳۳، مجلس ۲).

۳. «أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللّٰهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ، وَاعْلَمْ أَنَّه لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادُ لَا وَرَعٍ فِيه» (كسافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۷۶، باب الوَرَعِ، ح ۱؛ مسالی، شیخ مفید، ص ۱۹۴، مجلس ۲۳).

۴. ابو شعیب گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ، أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ

اهل بیت علیهم السلام یکی از سفارش‌هایی که به اهل ولایت و محبت خود تأکید فرموده‌اند، رعایت کردنِ ورع است. از این رو دستداران امام عصر علیه السلام وظیفه دارند: **اولاً**، به گونه‌ای رفتار کنند که دیگران با دیدنِ حُسنِ خُلق، راستگویی و ورع آن‌ها تربیت صحیح در مکتبِ اهل بیت علیهم السلام را ببینند و چنین بیندیشند که این‌ها به دلیل ارتباط و نسبتشان با امام زمان علیه السلام چنین خُلق و خوبی پیدا کرده‌اند. این عمل باعث می‌شود که علاقه مردم به مکتب اهل بیت علیهم السلام بیشتر شود و کم‌کم به ایشان روی آورند؛ چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر یکی از شما اهل ورع در دینش، و صداقت در گفتارش، و ادای امانت باشد، و با مردم اخلاق نیکو داشته باشد، می‌گویند: او جعفری است، این مطلب مرا خوشحال می‌سازد و از او شادمان می‌شوم، و می‌گویند: این تربیت شده جعفر است. و اگر چنین اخلاق و رفتاری نداشته باشد، در آن صورت، گرفتاری و ننگِ او به من نسبت داده می‌شود، و می‌گویند: این است تربیت جعفر»^۱.

ثانیاً، با گناه کردن، اهل بیت علیهم السلام را در شفاعت و نجات دادنِ خود به زحمت

→
أَقَامَ عَلَى الْفَرَائِضِ، أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ، أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الدُّنُوبَ؛
پرهیزکارترین مردم کسی است که در برابر شبهه توقف کند، و عابدترین مردم کسی است که واجبات را به جای آورد، و زاهدترین مردم کسی است که حرام را ترک کند، و کوشاترین مردم کسی است که از گناهان بپرهیزد» (تَحْفُفُ الْعُقُولِ، ابن شعبه حرّانی، ص ۴۸۹؛ خصال، شیخ صدوق، ص ۱۶).

۱. «فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ، وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ، وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ، وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ، قِيلَ: هَذَا جَعْفَرِيٌّ، فَيَسْرُنِي ذَلِكَ، وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ، وَ قِيلَ: هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ؛ وَإِذَا كَانَ عَلَيَّ غَيْرَ ذَلِكَ، دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَ عَازَهُ، وَ قِيلَ: هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ» (كافي، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۶۳۶، بَابُ مَا يَجِبُ مِنَ الْمَعَاشِرَةِ، ح ۵).

نیندازند؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «بر شماست رعایت کردنِ ورع؛ به درستی که ورع آن دینی است که ما همواره با آن هستیم، و خدا را به وسیله آن بندگی می‌کنیم، و همین را از اهل ولایت و محبتِ خود می‌خواهیم. ما را به خاطر شفاعت کردن به سختی و زحمت نیندازید».^۱

راه سوم: صله دادن به امام عصر علیه السلام

یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان، صله دادن^۲ به اهل بیت علیهم السلام است. صله دادن به امام زمان علیه السلام به این صورت است که مؤمن بخشی از دارایی خود را برای آن حضرت هدیه کند، و هر سال به این عمل مداومت داشته باشد و در این عمل شریف، غنی و فقیر، حقیر و شریف، مرد و زن یکسانند، مگر این که ثروتمند به مقدار توانایی اش تکلیف دارد و فقیر به مقدار استطاعت خود مکلف می‌شود. در روایات مقدار معینی برای مصرف مال در راه صله امام بیان نشده است؛ چون ظاهراً این عمل از مستحبات مؤکده‌ای است که در سخنان امامان علیهم السلام به عنوان «فریضه» از آن تعبیر شده است.^۳

روایات صله دادن به امام معصوم علیه السلام

مرحوم شیخ کلینی در کافی، یک باب با عنوان «باب صله الإمام» آورده که هفت روایت دارد.^۴ به دو روایت از این باب اشاره می‌شود:

۱. «عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ؛ فَإِنَّهُ الدِّينُ الَّذِي نُلَازِمُهُ وَ نَدِينُ اللَّهَ بِهِ، وَ نُرِيدُهُ مِمَّنْ يُؤَلِّينَا، لَا تُتَّبِعُونَا بِالشَّفَاعَةِ» (مالی، شیخ طوسی، ص ۲۸۱، مجلس ۱۰؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۳۰۶، ح ۲۹).
۲. صله؛ یعنی با دادن مالی به کسی احسان کردن.
۳. مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۲، ص ۳۰۱.
۴. برای آشنایی بیشتر، رک: کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۵۳۷-۵۳۸، باب صله الإمام علیه السلام.

روایت اول

یونس بن ظبیان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «کاری نزد خدا محبوب‌تر از رسانیدن دراهم به امام نیست. همانا خدا درهم امام را در بهشت مانند کوه اُحد قرار می‌دهد (یعنی ثواب آن را از اعمال خیر دیگر بزرگ‌تر و بیشتر می‌دهد، و این تشبیه معقول به محسوس است، یا مقصود این است که دادن یک درهم به امام، مانند دادن درهم‌هایی به اندازه کوه احد است به دیگران). خدای تعالی در کتابش می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾^۱؛ «کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟»، امام فرمود: به خدا، این وام مخصوص صلۀ امام است»^۲.

روایت دوم

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: «درهم یوصل به الإمام، أفضل من ألفي ألف درهم فيما سواه من وجوه البر»^۳؛ یک درهم که به امام برسد، بهتر است از دو میلیون درهمی که در راه خیر دیگر صرف شود».

نکات

۱. صلۀ امام زمان علیه السلام در زمان غیبت، با مصرف کردن مال به قصد صلۀ ایشان

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۵.

۲. «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرَاهِمِ إِلَى الْإِمَامِ، وَإِنَّ اللَّهَ لَيَجْمَعُ لَهُ الدَّرَاهِمَ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَ جَبَلِ أُحُدٍ، ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾، قَالَ: هُوَ وَاللَّهُ فِي صَلَّةِ الْإِمَامِ خَاصَّةً» (کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۵۳۷، باب صلۀ الإمام علیه السلام، ح ۲).

۳. همان، ص ۵۳۸، ح ۶.

در مصارف و مخارجی انجام می‌گیرد که می‌داند آن حضرت به آن‌ها رضایت دارد؛ مانند چاپ کردن کتاب‌هایی که مربوط به آن حضرت است، بر پا کردن مجالس یادآوری آن حضرت و دعوت به او، صلۀ شیعیان و دوستانش به خصوص سادات علوی و علمای ترویج‌کننده شرع مقدّس و...^۱

۲. در بعضی از روایات در صورت دسترسی نداشتن به امام معصوم علیه السلام، صلۀ و پیوند با شیعیان و دوستان صالح امامان علیهم السلام به وسیله بخشش مال به صورت جداگانه مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته است؛ امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «هر کس نتواند ما را صلۀ کند، باید شیعیان [دوستان] صالح ما را صلۀ کند که ثواب صلۀ ما برای او نوشته می‌شود، و هر کس نتواند ما را زیارت کند، دوستان صالح ما را دیدار نماید که ثواب زیارت ما برایش نوشته می‌شود».^۲

راه چهارم: ادای حقوق مالی واجب نسبت به امام عصر علیه السلام

یکی دیگر از وظایف شیعیان، پرداخت «خمس» به عنوان حق مالی واجب نسبت به امام زمان علیه السلام است. از نظر شیعه، «خمس» یکی از فروع دین و به صورت مستقل، یک تکلیف و وظیفه مهم همگانی است. هر مسلمانی در هر زمانی، هر شغلی که دارد، پس از کم کردن هزینه‌های زندگی، خمس (یک پنجم یا بیست درصد) درآمد خویش را به امام بپردازد تا او بتواند بر اثر توان مالی بهتر به توسعه اسلام و اداره امور تبلیغی و تعلیمی اقدام کند.

۱. مکیان المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۲، ص ۳۰۶.

۲. «مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صَلَاتِنَا، فَلْيَصِلْ صَالِحِي شِعْبَتِنَا، يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ صَلَاتِنَا، وَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا، فَلْيَزُرْ صَالِحِي مَوَالِينَا، يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا» (من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۷۳).

نکته: در عصر رسول خدا ﷺ خمس پرداخت می‌شد و در عصر امامان معصوم علیهم‌السلام به ایشان یا وکیلان آنان پرداخت می‌شد. در دوران غیبت صغری (سال ۲۶۰-۳۲۹ق) واجبات مالی زیر نظر امام عصر علیه‌السلام، توسط وکیلان حضرت در موارد لازم مصرف می‌شد؛ زیرا وکیلان دوران غیبت صغری می‌توانستند به حضور آن حضرت برسند و دستور لازم را دریافت کنند. آن‌گاه که غیبت صغری به سرآمد و غیبت کبری آغاز شد و کسی به صورت معین به عنوان وکیل آن حضرت تعیین نشد، در چنین شرایطی امام عصر علیه‌السلام، به جای وکیل خاص، وکلای عامی را معرفی فرمودند که به جای معرفی آنان با اسم، با صفاتی ویژه معرفی شده‌اند. با توجه به آن‌چه که از امامان علیهم‌السلام درباره فقیهان جامع الشرایط صادر شده، این مسأله را می‌رساند که صالح‌ترین مقام برای اداره امور دینی و دنیوی مردم، مجتهدان جامع الشرایط هستند که می‌توانند بر اثر بصیرت و آگاهی، مشکلات مردم را پاسخ گویند و رهبری آنان را بر عهده گیرند. از این رو، فقط فقیهان جامع الشرایط که همان مراجع تقلیدند، متکفل مسؤولیت تقسیم خمس و دیگر حقوق واجب هستند.^۱

۱. خمس، آیت الله شیخ جعفر سبحانی، ص ۸۲-۸۶.

منابع

- قرآن كريم: ترجمه على مشكيني، قم، نشر الهادي، ۱۳۸۱ ش.
- نهج البلاغه: محمد بن حسين شريف الرضى، ترجمه محمد دشتي، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش.
۱. إثبات الهداة بالأنصوب والمعجزات: محمد بن حسن شيخ حرّ عاملي، بيروت، اعلمى، ۱۴۲۵ ق.
 ۲. الإختجاج على أهل اللجاج: احمد بن على طبرسى، تحقيق: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضى، ۱۴۰۳ ق.
 ۳. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد: شيخ مفيد محمد بن محمد، تحقيق مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ ق.
 ۴. أصول الكافي: ابو جعفر محمد بن يعقوب كليني، ترجمه سيد جواد مصطفوي، تهران، كتاب فروشي علميه اسلاميه، ۱۳۶۹ ش.
 ۵. إعلام الزري بأعلام الهدى: فضل بن حسن طبرسى، تهران، اسلاميه، ۱۳۹۰ ق.
 ۶. آفتاب در غربت: سيد محمد بنى هاشمى، تهران، انتشارات منير، ۱۳۹۱ ش.
 ۷. الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة: على بن موسى ابن طاووس، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۹ ق.
 ۸. الإمامة والتبصرة من الحيرة: على بن حسين ابن بابويه، قم، مدرسه امام مهدي عليه السلام، ۱۴۰۴ ق.
 ۹. الأمالى: شيخ صدوق ابو جعفر محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، تهران، كتابچى، ۱۳۷۶ ش.
 ۱۰. الأمالى: شيخ طوسى محمد بن الحسن، تحقيق مؤسسة البقعة، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
 ۱۱. الأمالى: شيخ مفيد محمد بن محمد، تحقيق حسين استاد ولى و على اكبر غفارى، قم، كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ ق.
 ۱۲. انتظار، بايدها و نبايدها: ابراهيم شفيعى سروسنانى، تهران، موعود عصر عليه السلام، ۱۳۸۷ ش.
 ۱۳. بازخوانى تحولات اعتقادى و تاريخى امامت و واژگان مرتبط: حيدر مظفرى ورسى، قم، مجمع جهانى شيعه شناسى، ۱۳۹۰ ش.
 ۱۴. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار: محمد باقر بن محمد تقى مجلسى، بيروت دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۳ ق.
 ۱۵. بشارة النصطفى لشيعه المرتضى: عماد الدين ابى جعفر محمد بن ابى القاسم طبرى آملى، نجف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۳ ق.

۱۶. *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد* علیه السلام: محمد بن حسن صفار، تحقیق محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. *بلاغات النساء*: احمد بن ابی طاهر ابن طیفور، قم، الشریف الرضی، بی تا.
۱۸. *البلد الأمين و الدرر الخصبین*: ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات ۱۴۱۸ ق.
۱۹. *تاریخ روضة الضفا فی سیرة الأنبیاء و الملوک و الخلفاء*: محمد بن خاوند شاه میرخواند، تصحیح جمشید کیان فر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. *تاج العروس من جواهر القاموس*: محمد مرتضی حسینی زبیدی، تحقیق علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. *التحصین لأسرار ما زاد من کتاب التین*: سید رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی ابن طاووس، تحقیق اسماعیل انصاری زنجانی، قم، مؤسسه دار الکتاب، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. *تحف العقول عن آل الرسول* علیه السلام: حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسن، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. *التفسیر*: محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۲۴. *تفسیر القرآن الکریم*: محمد بن ابراهیم صدر الدین شیرازی، تصحیح محمد خواجوی، قم، بیدار، ۱۳۶۶ ش.
۲۵. *تفسیر قمی*: علی بن ابراهیم قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۲۶. *تفسیر نور*: محسن قرانتی، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۲۷. *تفصیل و سائل الشیعة إلى تفصیل مسائل الشریعة*: محمد بن حسن شیخ حر عاملی، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*: محمد بن علی ابن بابویه معروف به شیخ صدوق، قم، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
۲۹. *جامع الأخبار*: محمد بن محمد شعیری، نجف، مطبعة حیدریه، بی تا.
۳۰. *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*: علی بن موسی ابن طاووس، قم، دارالرضی، ۱۳۳۰ ق.
۳۱. *حسن حضور*: حسن ملایی، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۳ ش.
۳۲. *الخراج و الجرائح*: سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۳۳. *الخصال*: شیخ صدوق ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسن، ۱۳۶۲ ش.
۳۴. *حُسن*: جعفر سبحانی، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۷ ش.

۳۵. *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)*: محمّد بن احمد ابن ادريس، تحقيق حسن بن احمد موسوی و ابوالحسن ابن مسیح، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۳۶. *سُنن ابن ماجه*: ابو عبدالله محمد بن يزيد قزوینی معروف به ابن ماجه، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، داراحياء الكتب العربية، ۱۳۷۳ ق.
۳۷. *سُنن أبي داود*: سليمان بن اشعث ابو داود، تحقيق سيد ابراهيم، قاهره، دارالحديث، ۱۴۲۰ ق.
۳۸. *شرح نهج البلاغه*: عبدالحميد بن هبة الله ابن ابی الحديد، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق.
۳۹. *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*: عبيدالله بن احمد حسكاني، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۴۰. *صبر جميل*: سيد محمّد مهدي ميرباقری، قم، فجر ولايت، بی تا.
۴۱. *الصحيفة السجادية*: علي بن الحسين امام سجاد عليه السلام، ترجمه محسن غرويان و عبدالجواد ابراهيمی، قم، نشر الهادي، ۱۳۷۶ ش.
۴۲. *صفات السبعة*: شيخ صدوق ابو جعفر محمّد بن علي بن حسين بن بابويه قمی، تهران، اعلمی، ۱۳۶۲ ش.
۴۳. *علم امام: منابع، قلمرو و ویژگیها*: سيد علي هاشمی عادل، قم، بنياد فرهنگي امامت اهل بيت عليهم السلام، ۱۳۹۹ ش.
۴۴. *علل السرايع*: شيخ صدوق ابو جعفر محمّد بن علي بن حسين بن بابويه قمی، قم، کتابفروشي داوری، ۱۳۸۵ ش.
۴۵. *عسالى التمسالى العزیزة فی الأحاديث الدینیة*: محمّد بن زين الدين بن ابی جمهور، تحقيق مجتبی عراقی، قم، دار سيد الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق.
۴۶. *عیون أخبار الرضا عليه السلام*: شيخ صدوق ابو جعفر محمّد بن علي بن حسين بن بابويه قمی، تحقيق مهدي لاجوردی، تهران نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۴۷. *عیون الحكم و الموعظ*: علي بن محمد لیشی واسطی، تحقيق حسين حسنی بیرجندی، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶ ش.
۴۸. *عزّز الحكم و دزّر الکلم*: عبدالواحد بن محمّد تمیمی آمدی، تحقيق سيد مهدي رجایی، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴۹. *قاموس قرآن*: سيد علي اکبر قرشی، تهران، دار الكتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
۵۰. *قواعد العقائد*: خواجه نصیر الدين طوسی، تحقيق علي حسن خازم، لبنان، دارالغربة، ۱۴۱۳ ق.
۵۱. *الکافی*: ابو جعفر محمّد بن يعقوب کلینی، تحقيق علي اکبر غفاری و

- محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ١٤٠٧ ق.
٥٢. *کامل الزیارات*: جعفر بن محمد ابن قولویه، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف، دار المرتضویة، ١٣٥٦ ش.
٥٣. *کتاب العین*: خلیل بن احمد فراهیدی، قم، نشر هجرت، ١٤٠٩ ق.
٥٤. *کتاب الغیبة*: محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ١٣٩٧ ق.
٥٥. *کتاب الغیبة*: شیخ طوسی محمد بن الحسن، تحقیق عبداللہ تهرانی و علی احمد ناصح، قم، داڑ المعارف الاسلامیة، ١٤١١ ق.
٥٦. *کتاب المزار - مناسک المزار*: شیخ مفید محمد بن محمد، تحقیق سید محمد باقر ابطحی، قم، کنگرة جهانى شیخ مفید، ١٤١٣ ق.
٥٧. *کتاب من لا یحضره الفقیه*: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ١٤١٣ ق.
٥٨. *کشف التمهة فی معرفة الأئمة*: علی بن عیسی اربلی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ١٣٨١ ق.
٥٩. *الکشف و التبیان*: ابو اسحاق احمد بن ابراهیم نعلبی نیشابوری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٢ ق.
٦٠. *کمال الدین و تمام النعمه*: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ١٣٩٥ ق.
٦١. *لسان العرب*: محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دار صادر، ١٤١٤ ق.
٦٢. *مجمع البحرين*: فخرالدین بن محمد طریحی، تحقیق سید احمد حسینی إشکوری، تهران، مرتضوی، ١٣٧٥ ش.
٦٣. *المخاسین*: احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیة، ١٣٧١ ق.
٦٤. *مختصر البصائر*: حسن بن سلیمان بن محمد حلّی، تحقیق مشتاق مظفر، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ١٤٢١ ق.
٦٥. *میراة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*: محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ١٤٠٤ ق.
٦٦. *المنازل الکبیر*: محمد بن جعفر ابن مشهدی، تحقیق، جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین، ١٤١٩ ق.
٦٧. *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*: علی بن حسن طبرسی، نجف، المكتبة الحیدریة، ١٣٨٥ ق.
٦٨. *مصباح الکفعمی*: ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، قم، دارالراضی، ١٤٠٥ ق.

۶۹. *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير*: احمد بن محمد فيومي، قم، مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۷۰. *مصباح المنهج وسلاح المتعبد*: شيخ طوسي محمد بن الحسن، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ ق.
۷۱. *المصنف*: عبدالرزاق بن همام صنعاني، تحقيق حبيب الرحمن اعظمي، بيروت، المجلس الأعلمي، ۱۴۰۳ ق.
۷۲. *معاني الأخبار*: شيخ صدوق ابو جعفر محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۰۳ ق.
۷۳. *معجم مقاييس اللغة*: احمد بن فارس، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ ق.
۷۴. *معرفت امام عصر*: سيد محمد بنى هاشمي، تهران، نيك معارف، ۱۳۹۱ ش.
۷۵. *المفردات في غريب القرآن*: حسين بن محمد راغب اصفهاني، دمشق بيروت، دارالعلم الشامية، ۱۴۱۲ ق.
۷۶. *مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم*: سيد محمد تقى موسوى اصفهاني، ترجمه سيد مهدي حائري قزويني، قم، انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ش.
۷۷. *مناقب آل أبي طالب*: محمد بن علي ابن شهر آشوب مازندراني، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
۷۸. *الميزان في تفسير القرآن*: سيد محمد حسين طباطبائي، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۱۷ ق.
۷۹. *مهديت (پيش از ظهور)*: رحيم كارگر، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.
۸۰. *مهج الدعوات و منهج العبادات*: سيد علي بن موسى ابن طاووس، تحقيق ابو طالب کرمانی و محمد حسن محرز، قم، دارالدخائر، ۱۴۱۱ ق.
۸۱. *النهاية في غريب الحديث*: مبارك بن محمد ابن اثير جزري، تحقيق محمود محمد طناحي، قم، مؤسسه اسماعيليان، ۱۳۶۴ ش.
۸۲. *وقعة صفين*: نصر بن مزاحم، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق.
۸۳. *ولاية تشريع*: مرتضى عليزاده نجار، قم، بنياد فرهنگي امامت اهل بيت، ۱۳۹۶ ش.

آزمون تستی برای مرور دوباره کتاب

۱. در خطبه شریف غدیر، چند جمله به موضوع «مهدویت و امام زمان علیه السلام» اختصاص داده شده است؟
- الف) ۱۸ جمله (ب) ۲۱ جمله (ج) ۲۳ جمله (د) ۲۵ جمله
۲. مقصود از «نور» در آیه هشتم از سوره تغابن چیست؟
- الف) قرآن (ب) امامان از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله
ج) کتاب‌های آسمانی (د) همه موارد
۳. بر اساس روایات، چرا امام زمان علیه السلام، با لقب «قائم» خوانده می‌شود؟
- الف) قیام کننده به حق است (ب) مراد قیام در نماز است
ج) مقصود قیام برای انتقام امام حسین علیه السلام است (د) همه موارد
۴. جمله «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ»؛ در چه زیارتی آمده است؟
- الف) زیارت آل یاسین (ب) زیارت جامعه کبیره
ج) زیارت غدیریه (د) زیارت امین الله
۵. این فراز از زیارتنامه: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمُنْضُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ، وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَا غَيْرِ مَكْدُوبٍ»؛ در چه زیارتی آمده است؟
- الف) زیارت آل یاسین (ب) زیارت جامعه کبیره
ج) زیارت غدیریه (د) زیارت امین الله
۶. عبارت «يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ»؛ شبیه چه آیه‌ای از قرآن است؟
- الف) سوره مائده، آیه ۳ (ب) سوره بقره، آیه ۲۴۷
ج) سوره بقره، آیه ۲۶۹ (د) سوره هود، آیه ۳
۷. عبارت «أَلَا إِنَّهُ خَيْرُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ»؛ شبیه چه آیه‌ای از قرآن است؟
- الف) سوره احزاب، آیه ۳۶ (ب) سوره قصص، آیه ۶۸
ج) سوره یونس، آیه ۳۵ (د) سوره نساء، آیه ۵۹

۸. بر اساس روایت امام صادق علیه السلام، در امیرالمؤمنین علیه السلام «سنت چند پیامبر» وجود دارد؟
 الف) ۱۲۴ هزار پیامبر (ب) ۱۰۰ هزار پیامبر
 ج) هزار پیامبر (د) پنج پیامبر اولوالعزم
۹. با توجه به روایات، کدام مخلوق برای رسول خدا و امامان معصوم علیهم السلام به صورت دائمی خیر می آورد؟
 الف) جبرئیل (ب) روح القدس
 ج) روح (د) همه موارد
۱۰. کدام معصوم درباره امام عصر علیه السلام فرمود: «وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ»؟
 الف) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (ب) امیرالمؤمنین علیه السلام
 ج) امام صادق علیه السلام (د) امام باقر علیه السلام
۱۱. بر اساس چه آیه‌ای، خداوند متعال، وعده تشکیل حکومت جهانی را به امام عصر علیه السلام داده است؟
 الف) سوره نور، آیه ۵۵ (ب) سوره قصص، آیه ۵
 ج) سوره انبیا، آیه ۱۰۵ (د) سوره اسراء، آیه ۸۱
۱۲. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف چه کسانی فرمود: «دیده‌هاشان با قرآن روشنایی گیرد و در گوش‌هاشان تفسیر قرآن طنین افکند، و در صبحگاهان و شامگاهان جام‌های حکمت سر می‌کشند»؟
 الف) عالمان (ب) حکیمان
 ج) یاران امام زمان علیه السلام (د) شب زنده داران
۱۳. امیرالمؤمنین علیه السلام به شیعیان توصیه فرمود برای چه کاری به دیدار یکدیگر بروند؟
 الف) صلوة رجم (ب) دیدار مریض
 ج) زنده کردن امر اهل بیت علیهم السلام (د) طلب خیر کردن برای یکدیگر
۱۴. امام صادق علیه السلام درباره کدام یک از یاران خود فرمود: «نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»؟
 الف) هشام بن سالم (ب) هشام بن حکم
 ج) محمد بن مسلم (د) مؤمن طاق

نام و نام خانوادگی: ش ش: نام پدر:
سن: استان: شهر: تلفن ثابت:
آدرس: تلفن همراه:

پاسخنامه

| الف | ب | ج | د | |
|-----|---|---|---|---------|
| | | | | سؤال ۱ |
| | | | | سؤال ۲ |
| | | | | سؤال ۳ |
| | | | | سؤال ۴ |
| | | | | سؤال ۵ |
| | | | | سؤال ۶ |
| | | | | سؤال ۷ |
| | | | | سؤال ۸ |
| | | | | سؤال ۹ |
| | | | | سؤال ۱۰ |
| | | | | سؤال ۱۱ |
| | | | | سؤال ۱۲ |
| | | | | سؤال ۱۳ |
| | | | | سؤال ۱۴ |

غدیر فرا می‌رسد و باز هم باید پیمان بست یا او که آخرین وارث غدیر است، او که نام و یادش در خطبه غدیر بارها توسط پیامبر خاتم مورد اشاره قرار گرفته است. امروز وارث غدیر با ما است؛ از روز غدیر، به دستور مبلغ غدیر، پیمان غدیر، تا ما دست به دست شد و بانگ ستادیان، دهان به دهان به گوشمان رسید و مهر امیر غدیر تا قلب‌ها مان، سینه به سینه جریان گرفت.

این بار، وقت وفای ماست و این دست‌ان پیوسته وارث غدیر است که دل‌مادگان حضرتش، دل‌باختگان خدمت او شوند. وقت است که آستین نصرتش باز زنند و حلقه غلامی تنها وارث غدیر به گوش آورند.

